

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- زنگراهی های مدافع انقلاب و اسکا س یک حاصه آن در صف انقلاب (۲) مجلد ۱۲
- گرامی باد کمدمین سالگرد تولد حدرخان عسوا و علی مجلد ۱۷
- رسدهای بحران مسکن در ایران (۱۵) مجلد ۱۵
- "حذف سپهره و امپا" یک رفرم سورروائی در حینا رجوب حط مجلد ۱۰
- سرمایه داری و اسسد (۲) مجلد ۲۴
- گرامی باد اولس سالگرد صام ۱۹ دیما دم

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۸

بها ۲۰ ریال

سوسیال امپریالیسم شوروی و کودتای افغانستان

طرح شورای انقلاب درباره قانون کار و وظایف کارگران مبارز

صفحه ۸

صفحه ۳

۲۶ دی، روزی که خنده بر چهره مردم نشست، روزی که مردم فریاد زدند: "بعد از شاه نوبت آمریکاست!"

۲۶ دیما سال گذشته یکی از روزهای فرا موس سدی انقلاب ما ست. روزی که چهره ایران نحسین با ریس از آغار انقلاب در اولی کام پیرو مندانه سبه در صف



- گزارشی از تجمع کارگران بیکارتهران
- پیروزی کارگران سد قشلاق (سنندج)
- بر کارگران معدن زغالسنگ باب نیزو چه میگردد؟
- شوراها ی تحمیلی یکی پس از دیگری منحل میشوند!

صفحه ۳



- اربابان شاهپرست با حمایت کمیته های اسلامی، علیه روستائیان توطئه میکنند
- مبارزه زحمتکشان "ملکان" علیه گرانفروشی
- گزارشی از مبارزات قهرمانانه روستای "بیشه کلا"

صفحه ۷

نهضت آزادی داخل و خارج سرورته یک کرباسند!

ورسحانی (به تعبیح وگوهس ارموا مع دانسحوا سان بیروخط اما م و به حمایت ارسردمداران نهضت آزادی، سا ررکان وسحانی ... برداختند و بعضی دیکرکمی سا رسکا راه نهضت آزادی را رسوا تر از آن می دیدند که ازان سسبانی کنند، سا سکوت

حجالی که ا خرا در مورد نهضت آزادی و در رابطه با اساکری دانسحوبان "بیروخط اما م" تریا سد و سوبه جودا سکا سی دیکرا ز صا دهای درونی بیرو - های حا کم بود، سسرعت صا حیا شی ارهنتب حا کمه را به موضعی کما سد. آنها که با اس ما حرا موقعیت جودا سسر در حط می دسد (امال نهیسی

صفحه در صفحه ۲

طوفان در قنجان!

نگاهی به طرح " جود کردانی " نما سندگان هشت حا کمه در کرسا ن

صفحه ۶

سنندج همچنان کانون بحران کردستان است

صفحه ۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه اول
گرمای باد

خود خندید. رژیم شاه از ابتدای اوچگیری انقلاب به راه های گوناگون برای سرکوب و فروتنی دادن جنبش عظیم توده های متوسل شده بود. لیکن تنگنائی که بسبب عمق بحران های جامعه و راهسوا حاطه کرده بود نه به شیوه سرکوب و نه به شیوه عقب نشینی گشودنی نبود. هر راهی که موقتاً وسیله ای برای نجات سیستم بنظر می آمد، بلافاصله به ضد خود بدل می شد. سرکوب، طوفان خشم مردم را عظیم ترمی ساخت و عقب نشینی خود وسیله ای میشد برای رشد بیشتر انقلاب و توده های شدن آن در مقیاسی وسیعتر. آخرین سنگرهای عقب نشینی رژیم پی در پی درهم فرو می ریخت. تشکیل کابینه نختیار با تمام اقدامات عوام ریبیانهاش از زمان ابتدا بنحومقتضای نه ای از سوی مردم محکوم و رسوا گردید. حدت بحرانهای جامعه تضادهای درونی ارگانهای رژیم را بشدت رشد داده عمده آنها را فلج ساخته بود. ارتش این تون فقرات رژیم دیدگر نمی توانست ابزار مطمئنی برای بقای آن بشمار رود. برای امیرالایسم دیگر چاره ای جز اجرای طرح "چرخ بال" مبنی بر کنساره گیری شاه و حمایت از شورای سلطنت باقی نمیمانند. کنفرانس "گوادولوب" که رهبران چپا رکشورا میریالیستی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان در آن شرکت داشتند، طرح "چرخ بال" را پذیرفت و بدین ترتیب شاه که خود مهمترین عامل ثبات ارتش ضد خلقی و دیگر ارگانهای سرکوب بود، بدستوراربابان امیرالایستش صحنه را ترک گفت تا شاید انتقال مسالمت آمیز قدرت از شاه به شورای سلطنت که ظاهر آخیرین راه چاره حفظ سلطنت برای امیرالایسم می نمود، بتواند اوضاع را موقتاً آرام سازد. اما نخستین گام پیروزمندان انقلاب نه تنها اوضاع را در جهت خواست امیرالایسم، دست نشانگان داخلی و تملکات بورژوا لیبرالها پیش نبرد، بلکه گامهای بعدی انقلاب را آهنگ سریعتری بخشید. حرکت مبارزاتی توده ها برخلاف خواست واقعی رهبران مذهبی جنبش بر محور کناره رفتن شاه و انتقال مسالمت آمیز قدرت از سلطنت به جمهوری اسلامی، از گامینه سختباریه کابینه بازگان جریان نداشت. عمیق بحران سحدی بود که جنبش مردم مستقیماً سلطه امیرالایسم را نشان نه گرفته بود. اینرا شعار روز مردم بعد از فرار شاه (بعد از شاه نهویت آمریکا ست) نشان می داد و قیام مسلحانه بهمن مظهر حرکت مستقل و عمیق انقلابی توده ها ثابت نمود. حرکتی که خارج از خواست و مایل سران مذهبی جنبش صورت گرفت. زمانی رهبران جنبش می خواستند مبارزات توده ها را از محدوده کناره رفتن شاه و انتقال آرام قدرت از شورای سلطنت به جمهوری اسلامی بکنجا بند و امروزها آنها که به دشمنان انقلاب بدل شده اند، سعی دارند مبارزات امیرالایستی توده ها را اساساً بازگشت ماه خلاصه کنند در حالیکه رهنساینها سک گام پیروزمندان ز حرکت مبارزات انقلاب دموکراتیک و سرورزمندان ز حرکت مبارزات انقلاب دموکراتیک و امیرالایستی مردم بوده اسب و امروز نیز ساز کردادن شاه تنها می تواند حرشی کوچک از خواست های عمقا انقلابی توده ها بسما رود.

بقیه از صفحه اول

نهضت آزادی ...

کردند و یا (ما سند مدرس حوزه علمیه قم) کوسس نمودند با تکیه بر "اخلاقات" نهضت آزادی داخل و خارج حداقل آبروی رفته بزدی، مط زاده و ... یعنی سران دیروز نهضت آزادی خارج از کشور سرمداران امروز سوا ی رژیم را دوباره بجوی بازگردانند. آنها سعی کردند و نمودند از زندگه اگسر در گذشته و در نهضت آزادی سازشی انجام شده، حد اقل جناب بزدی، مط زاده و جمران این خائنین سخلق و این فرصت طلبان تازه بقدرت رسیده و دیگر اعوانانما نشان از آن میری بوده اند.

نگاهی مختصر به گذشته نهضت آزادی خارج و داخل نشان میدهد که علیرغم وجود برخی اختلافات هر دو جریان دارای ماهیت بورژوا لیبرالی و سازگارانه بوده و سرمداران آن چه در داخل (بازرگان) و چه در خارج (بزدی و قطب زاده و جمران)، همانها که امروز نیز چهره واقعی و ننگین خود را کم و بیش نشان داده اند جز عملکردهای ضد خلقی و خائنانانه در پیوش های فریبنده نداشتند.

سابقه نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران در اردیبهشت سال ۴۰ء تشکیل شد. سانیان آن، سازگان، آیت الله طالقانی، دکتر سحابی، عباس نیسانی، حسن نزیه عباس رادتی، رحیم عطاشی، احمد علی بابائی و ... بودند که پس از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ "نهضت مقاومت ملی" را تشکیل می دادند و بعدها برخی از آنها جزو اعضاء "جبهه ملی دوم" که در سال ۱۳۳۹ تجدید فعالیت کرد بشمار می رفتند. در واقع این عده که طیفی از عناصر مبارز (نظیر طالقانی) و لیبرالهایی از نوع بازگان و نزه را تشکیل می دادند، جناح لیبرال - رفرمیست مذهبی طرفداران اصدق محسوب می شدند که بنا بر ویژگی اسلامی بودن خود، نهضت آزادی ایران را تشکیل دادند. جبهه ملی دوم با تشکیل نهضت آزادی موافق نبود و علیرغم تمایل و درخواست نهضت آزادی، جبهه ملی آنرا بعنوان یک تشکل در درون خود نپذیرفت (کنگره جبهه ملی زمستان ۴۰ در نازمک). تزجبهه ملی انحلال احزاب و شرکت عناصر بدون هویت گروهی و تشکلاتی در درون جبهه بود. علاوه بر آن از نظر مواضع سیاسی اختلافاتی میان این دونیرو وجود داشت. نهضت آزادی با شعار "ما هاید سلطنت کنند نه حکومت" و با لحنی "محترمانه" از شخصی شاه نیز انتقاد میکرد (به نام مه سرگنده نهضت آزادی در سال ۴۰ به ساه، رجوع شود) لیکن جبهه ملی مخالفتهای خود را تنها متوجه دولت می ساخت. اختلاف میان این دونیرو در زمینه سیاسی اساساً در رابطه با محدود انتقاد آنها نسبت به هفت جا که ما بپذیرش اساس سلطنت و در خارج و در نظر ما بسته به امیرالایسم کم خلاصه میسند. نهضت آزادی وجهه ملی با سلاح مرستوده شاهزاده قانونی و مسالمت آمیز "تنها خواهان ایجاد اصلاحات و تعدیلاتی در رژیم شاه بودند. تمام سسویه ها و سوارهای مبارزاتی آن نیز در محدوده استقرار حکومتی بر قانون اساسی مطرح میسند.

در پی ۴۱، سدنال به "صوت" رسیدن اصول انقلاب سفید و آغاز موج دیگری ارتها جماب و سسج رژیم ساه سه مردم، سران نهضت دستگیر شدند. بعدها اس سازمان بخاطر فعالیتها شیکه جناح مبارز آن (آب الله طالقانی) و دانشجوین انقلابی نهضت امثال سهدا حتیف نژاد و سعید محسن در حیران ۱۵ خرداد داشتند مواضع اسنادی آنان علنه ساه که آقاسی بازگان و دکتر سحابی را سخت ناراحت میکرد!

● جمران و بزدی پولی را که از دولت مصر (در زمان ناصر) بعنوان کمک به زندانیان سیاسی گرفته بودند، صرف خرید یک ماشین لوکس برای آقای "حسن مکتبی" تاجر معروف قالی در بیروت و مسئول فعلی آموزش سپاه پاسداران نمودند!!

نکته بعنوان یک تشکل غیرقانونی شناخته شد که عضویت در آن حداقل ۴ سال زندانی داشت. پس از تشکیل دادگاههای رژیم و محاکمه و به زندان افتادن برخی از بنیان و امضاء نهضت آزادی، عمر نهضت به پایان رسید و فعالیت آن در این مرحله خاتمه یافت. بعد از آن یعنی از سال ۴۳ سعید عناصر و نیروهای مبارز و انقلابی که شکست شیوه های اصلاح طلبانه، بارلمانتاریستی و مماشات جوینا نه رایس چشم می دیدند، بیونده خود را با جبهه ملی و نهضت آزادی و بطور کلی نیروهای رفرمیست (اصلاح طلب) و لیبرال گسختند. آنها بدرستی دریا فته بودند که در چارچوب ملی و برنامهماصلح جوینا نه و لیبرالیستی نهضت آزادی و جبهه ملی هرگز نخواهند توانست رژیم ضد خلقی شاه را درهم شکنند و سلطه امیرالایسم آمریکا را پایان دهند. ابزار کهنه و فرسوده این لیبرالها هرگز برای مقاومت در برابر موج سرکوب و خشیانها شاه و ربابان امیرالایستش را نمی توانست داشته باشد. تمامی عناصر و نیروهای مبارز و انقلابی دیگر دریا فته بودند که جبهه ملی و نهضت آزادی به علت سیاستهای سازگارانه و مصالح جوینا نه شان و بدلیل آنکه هرگز خواهان انقلاب و مبارزه واقعی علیه رژیم و سلطه امیرالایسم نبودند جز آنکه توده ها را به شیوه های انحرافی مبارزه سوق دهند و آنها را در عمل بقربیند، سمره دیگری نخواهد داشت. و این چنین شد که با تسک رفرمیسم و لیبرالیسم از یک طرف و روبری سونیم حزب توده از طرف دیگر، جنبش انقلابی نوینی چدر میان نیروهای کمونیست وجه نیروهای مبارز مذهبی متولد گردید. در سال ۴۴ سازمان مجاهدین خلق ایران با جریز بندی اصولی نسبت به گذشته نهضت آزادی و با پذیرش تدارک انقلاب فخر آمیز بعنوان یگانه راه راهائی توده ها تشکیل شد. در اس زمان دیگر از نهضت آزادی و فعالیت های آن خبری نبود.

نهضت آزادی خارج از کشور

در اواخر سال ۱۳۵۰ که سازمان مجاهدین خلق سراب سحنی را منحل گردید و س از دستگیری بانیان این سازمان، حدس از اعصای سابق نهضت که از

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



پیروزی کارگران سد قشلاق (سندج)

قراری امرارده کارگران سدقشلاق (سرک سابر) سدقشلاق درده کلموسری سدقشلاق واقع شده و دارای ۹۰۰ کارکن می باشد. سرورده عظیم اس سد را سرک سابرکه واسسه مارمان عیران منطقه ای غرب ویک سرک دولتی مساسا سارک یک سرک انگلیسی سعیده دارند. سرورده مدکور ۷ سال اسب شروع شده و حدود ۲ سال دگرنام میسود. درگذشته سرک کارگران را بطور مسروط اسخدا مسموده و آنها را در زمستان اخراج می کرد. مدیران سرک همواره سعی می کردند که ساتوطه های گوناگون بس کارگران ان تفرقه ایجا دکنند (ماسدپا دان دان سعده ای سعده ای زکارگران) تا اینکه در تاریخ ۵۸/۹/۱۱، کارگران با انتخاب نمایندگان خود، سدیکمای خویش را دوباره تشکیل دادند. (نمایندگان کارگران اکثر آه رای آگاهی طبقاتی میباشند. از این رودر آگاه کردن کارگران و متشکل آنها نفس میبوی دارند) پس از ایجا سدیکا، کارگران آگاهان علام اعتبار کردند. و در فاصله کوتاهی تمام کارگاههای سرک به آنها پیوستند. بعضی از خواستهای کارگران مذکور عبارتند از:

- ۱- اضافه حقوق بمبلغ ۱۷۵ ریال در سطح کارگاههای سدقشلاق.
- ۲- شناسایی و معرفی کارگران نیکه از نظر جسمی و روحی شامل بازنشستگی و از کار افتادگی میشوند، به اداره سیمه های درمانی برای اتخاذ تصمیم.
- ۳- لغو کلیه قراردادهای امضا شده با کارگران وادامه کار تا اتمام پروژه سدقشلاق.
- ۴- پرداخت حق مسکن برای بر مبلغی کسه در کارگاههای مشابه شرکت سابر داده میشود.

بدنبال اعتبارات کارگران، نمایندگان شورا... های کارخانه های یوشاک و شرکت ما دا علام پشتیبانی نموده و طی نشست که نمایندگان کارگران این سع شرکت با هم داشتند، قرار شد در آینده اتحادیه کارگران را بوجود آورند. در ضمن سازمانهای سیاسی از جمله سازمان بیکار... (حوزه سندج) از مبارزه بر حق کارگران سدقشلاق پشتیبانی کردند.

سرپرست شرکت که با اتحادیه همکاری نداشت و نیروهای انقلابی رو بر سر او بود در مد تفرقه و توطئه برآمد. وی طی تلگرافی که از تهران برای کارگران سرستادگفت: ما با انا فک کردن حقوق شما موافقم، شما هر چه زود تر سرکارتان برگردید.

اما کارگران آگاهان علام داشتند که اگر قبول افزایش حقوق توطئه نیست در مد آن نعیب شده و در مد تفرقه و توطئه مادرج کرد.

سرپرست شرکت همزمان با ورود مجدد هیئت ویژه دولت به کردستان وارد سندج شد. در تاریخ ۵۸/۴/۱۵ در جلسه ای که نمایندگان کارگران، هیئت ویژه دولت و سرپرست شرکت حضور داشتند، صبا عیان گفت: شما توسط سازمانهای سیاسی تحریک شده اید.

طرح شورای انقلاب درباره قانون کار و وظائف کارگران مبارز

کارگران مبارز!

حاکمی سرمایه داران وابسته و زمینداران و سرمایه داران بزرگ داخلی میباشند، از شکل گیری تشکلات کارگران بیکار ریشدت جلوگیری نمودند و حتی از واگذاری خانه ها و کارگاهها خود را در اختیار کارگران بدست آوردند. در این شرایط کارگران بیکار را توسط مزدوران خود، مورد حمله قرار دادند. هیئت حاکمه به اینها اکتفا نکرده، کارگران را در اصفهان، انزلی، کردستان و... به گلوله بست و توسط سردمداران خود (امیران نظام، بازرگان و...) با آنها مارک ضد انقلاب آمریکا و... زد.

رژیم جدید طی یک دوره طولانی نتوانست سعی کرد دستاوردهای انقلاب را از چنگ کارگران و سایر طبقه های زحمتکش خلق ما بیرون بکشد. ما نسور روزها، ماهها، توقیف روزها ماههای متری، ایجاد بقیه در صفحه ۱۸

(۱) - این طرح را نباید "شورای موسس" موجود اشتباه گرفت. یکی از علل درونی برهم خوردن این طرح خیانت "شورای موسس" موجود است.

"شورای انقلاب" اقدام به جمع آوری نظرات شما کارگران برای تدوین "قانون کار" نموده است! بعد از تقریب ۱۱ ماه که از قیام می گذرد و بعد از اینکه طی این مدت، هیئت حاکمه همان قوانین رژیم خونخوا رپهلوی را تا آنجا که توانسته است پیاده کرده، تازه به فکر تدوین قانون کار افتاده است! طی این مدت هیئت حاکمه از شکل گیری هر سدیکا یا شورای مترقی تا آنجا که توانسته شدت جلوگیری کرده است، بطوریکه هم اکنون در تعداد زیادی از کارخانه ها، شوراهای وسدیکا های قلابی وسیله ای در دست کارفرما و دولت می باشد (ایران ناسیونال، جنرال موتورز و...) از این رودر بسیاری از کارخانه ها و موسسات ایجا دشورها و وسدیکا های واقعی در دستور روز کارگران قرار دارد.

هیئت حاکمه با انواع وسیله ها و وسایل و بلاخره با حمله چماقداران خود، ابتدایی ترین تشکلاتی را که در مد کمک به ایجا دشکلیات سراسری کارگران ایران بودند، برهم زد (طرح شورای موسس اتحادیه سراسری کارگران ایران (۱)). هیئت حاکمه کسه

گزارشی از تجمع کارگران بیکار تهران

در شامه قبل بیکار در گزارشی از تجمع ۵۸/۱۰/۸ کارگران بیکار تهران، گفتیم که در میان کارگران بر سر نحوه مبارزه برای گرفتن درخواستها کارگران بیکار، سه نظر وجود داشت:

نظراول معتقد بود که با بستن کارخانه ها و وزارت کار را هپیمانگی کرده اند تا بعد از عمل وزارت کار رود دولت خواست تا به درخواستها کارگران جواب مساعده دهند. این نظریه برخورد مسالمت آمیز تا کید داشت و می پنداشت که با "درخواست" از رژیم حاکم میتوان حقوق برحق کارگران بیکار را تامین کرد.

نظردوم "درخواست کردن" را نمی پذیرفت و اعتقاد داشت که با عملیات تعرضی، ما نند تحم نشستن و کروگان گرفتن و... میتوان رژیم را مجبور کرد تا به درخواستها کارگران جواب مساعده بدهد.

نظر سوم کارگران مبنی بر این بود که اول رژیم حاکم تا بحال ثابت کرده است که نمیخواهد به درخواستها کارگران جواب مساعده دهد. وی نسا بحال وظیفه مبارزات چندین ماهه کارگران در عمل

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بورکارگران معدن زغال سنگ باب نیزو چه می‌گذرد؟

عده‌ای از کارگران بدون مسکن از کارگرانیکه (۹۰ نفر) درون خانه‌های خالی نشسته‌اند بیشتر بوده‌اند اما کارگران مذکور خرابه تخریب‌شده‌ها نمی‌شوند. مسئولین منطقه موقعیت را غنیمت شمرده و کارگران را آنچنان بی‌جان هم می‌اندازند، که گویی مشکل مسکن همه کارگران با تخلیه خانه‌های تصرف شده حل می‌شود!

یکی از این عناصر ضدکارگر جلال کمالی سرپرست سپاه ساداران منطقه است که پیش از قیام با عسکر- خوریها و بد مستیهایش مردم را بسته آورده بود، اما پس از قیام میکشبه "انقلابی" شده و مسئولیت سیاه پاسداران به او گذازمیشود. برای شناختن این موجود بیهیکی از اعمال ضدانسانیش اثار می‌کنیم. کمالی یکبار که برای سرکشی با دارو دستهایش به کارخانه زغالشوشی ریگ آب درفته بود، مشاهده می‌کنند که نگهبان کارخانه زغالشوشی به خواب رفته است. وی با کمال وقاحت بیخ گوش نگهبان تیسر هوایی شلیک می‌کند. نگهبان وحشت زده از خواب میپرد. در این حالت کمالی به او میگوید: اگر دفعه دیگری بخوابی به پاهایت شلیک خواهم کرد. این عمل ضدکارگری وی با اعتراض و راهپیمایی کارگران رو برو می‌شود. آری، این یکی از آن موجوداتی است که امروز برای دستهای از کارگران دلسوزی کرده و آنها را علیه دستهای دیگر تحریک میکند و اذهنان کارگران را از علت اصلی کمبود مسکن منحرف می‌کند. اگرچه امروز بعضی از کارگران فریب این عناصر خورده اند و در درون بر روی برادران کارگرشان قرار گرفته‌اند، اما بزودی در خواهند یافت که اگر این ۹۰ نفر هم خانه‌ها را تخلیه کنند، باز عده‌ای دیگر بی‌خانه خواهند شد و مشکل مسکن همچنان باقی خواهد بود! مشکل مسکن با نابودی نظام سرمایه داری حل خواهد شد، لازم است این کار دستهای متحد و مشکل کارگران و زحمتکشان است، بگوشیم دستهای خود را متحد و مشکل کنیم!

معدن باب نیزویکی از معادن زغال سنگ منطقه کرمان است. از میان ۴ هزار نفر کارکنان این معدن حدود ۳۴۰۰ نفرشان کارگرند. کارشاق در معدن عدم امکانات رفاهی و بهداشتی، کارگران را در سنین جوانی بیمار و فرسوده ساخته است. سال گذشته وقتی میخواستند کارگران را معاینه کرده و بر اساس سلامت جسمانی ادا مه کار آنها را مجاز یا نه کنند، بشیمان می‌شوند، زیرا در آن صورت بقول خود کارگران با دیده‌ها را از کار معاف می‌کردند، اما سال نیز که از معاینه پزشکی کارگران خبری نیست.

اغلب کارگران معدن به علت شرایط سخت کار، عدم بهداشت محیط کار قبلا به بیماریهای از قبیل ضعف بینایی، واریس پا، زخم معده، انواع بیماریهای ریوی و... می‌باشند. گذشته از شرایط طاقت فرسای کار، خطر سرک همواره کارگران معدن را تهدید میکند. مثلا چندی پیش ریزش معدن در عمق چند صد متری دونفر از کارگر. آن را زیر سنگها بهلاکت رساند. با ردیگروا گسی از دهانه شیب دار معدن رها شده و در عمق چند صد متری به دری میخورد و کارگری را که لای آن مانده بوده می‌کند. یکبار هم کارگری از دلبوبه درون چاه معدن پرتاب شده و جسدش را از درون گل ولای ته چاه بیرون می‌آورند و...

بسیاری از کارگران معدن با اینهمه درد و رنج و خطری که در کمین آنهاست حتی آلودگی برای زندگی کردن ندارند. زمان شاه خاشن در مطی بنا مریگ - آب دبیغوله‌هایی که به هم پیوسته است، جز خانه برای کارگران ساخته میشود (خود کارگران به این بیغوله‌ها سلول می‌گویند) بعد از قیام تعدادی از خانه‌های خالی ریگ آب‌آباد، توسط حدود ۹۰ نفر از کارگرانیکه ممکن نداشتند، تصرف می‌شود. بعد از کارگران عده‌ای را بعنوان نماینده انتخاب می‌کنند و آنان ضوابطی را برای تقسیم خانه‌های تصرف شده تعیین می‌کنند که بر اساس این ضوابط امتیاز

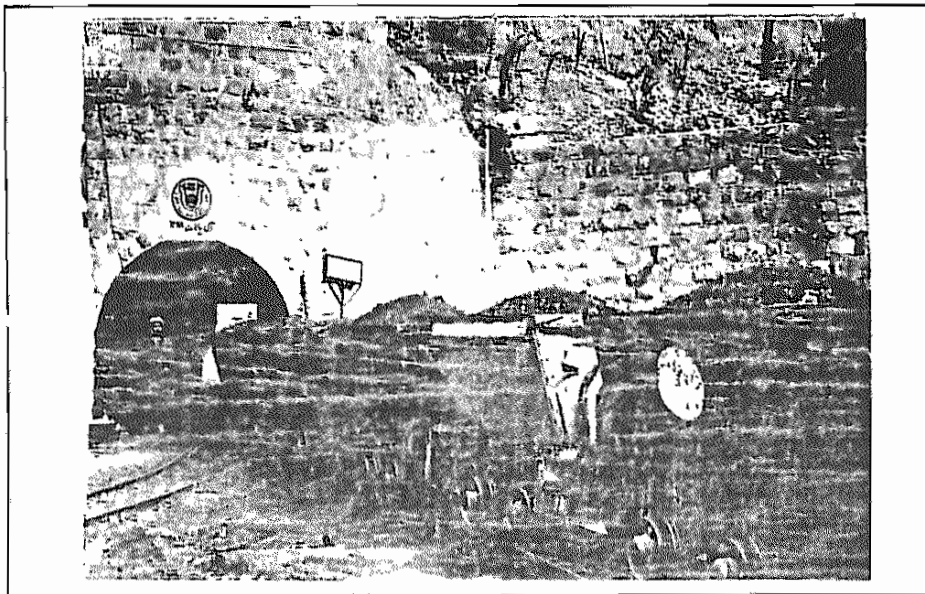
شوراهای تحمیلی...

نماینده‌ای از طرف وزارت کار برای با مصلاح رسمیت دادن به انتخابات شوراهای کارخانه آمد. در این روز اعلامیه‌ای بانام "شورای واقعی خود را چگونه تشکیل دهیم" در کارخانه پخش میشود که در آن بزبان ساده وظایف شورا شرح داده شده بود و تا شیر خوبی بر کارگران میگذارد. پس از پایان انتخابات ۴ نفر جدید و یک نفر از نمایندگان سابق انتخاب میشوند. پس از تشکیل شورا اعلامیه‌ای با امضای "گروهی از کارگران مبارز" (گروه صنعتی ملی) در کارخانه پخش میشود که در آن به وظایف شورا اشاره کرده است، در قسمتی از این اعلامیه تحت عنوان "خواسته‌های ما از شورای کنونی چیست؟" آمده است:

- ۱ - ما شاهدیم که بعضی از کارگران کار درونفر را انجام میدهند و با توجه به اینکه در حال حاضر چند میلیون کارگری در وجود دارد، لازمست که شورا اقدام به استفاده مکارگر جدید نماید، تا هم کارگران بیکار سرکار بر روند و هم سنگینی کار برای بعضی از کارگران کم شود.
- ۲ - کارخانه ما وابسته به کشورهای امپریالیستی است و هنوز سرمایه‌داران خارجی از شمره کار ما سود میبرند، یکی دیگر از وظایف شورا اینست که برای قطع وابستگی مبارزه کند.
- ۳ - دفاع از آزادی اعتصاب، آزادی بیان و عقیده و سایر آزادیها.
- ۴ - همبستگی با مبارزات کارگران کارخانه‌های دیگر بخصوص با شرکتهای "گروه صنعتی ملی".
- ۵ - برده برداشتن از روی نقشه‌ها و برنامهای ضدکارگری مدیران کارخانه.
- ۶ - دفاع از کارگران در مواقع بروز اختلاف بین آنها و کارفرما.
- ۷ - انتخاب مسئولین و سرپرستهای کارخانه توسط کارگران.
- ۸ - افزایش حقوق کارگران به نسبت بالا رفتن هزینه زندگی.
- ۹ - جلوگیری از واگذاری کارهای سخت بدنی به کارگران بیرو کارگرانیکه از نظر بدنی ضعیف هستند.
- ۱۰ - تثبیت ۴۰ ساعت کار در هفته.
- ۱۱ - تعطیل کارمحلین در تمام مدت امتحانات.

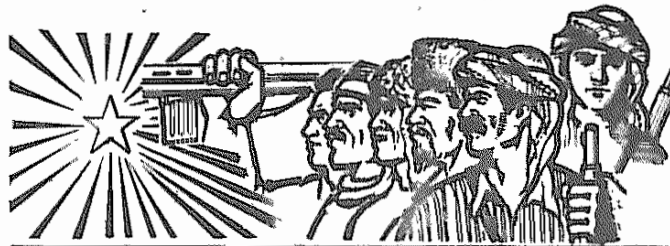
.....

در شرکت "یونایتد" یکی دیگر از کارخانه‌های "گروه صنعتی ملی" نیز اعلامیه‌ای در مورد افسسای شورای ضدکارگری در کارخانه پخش میشود که به علت افسسای بیش از پیش نمایندگان، کارگران آنها را مجبور به استعفا نموده و زمینه انتخاب شورای جدید را فراهم میکنند. همچنین در شرکت "هوفمن" یکی از کارخانه‌های "گروه صنعتی ملی" نیز کارگران در پی تدارک شورای جدیدی هستند. پرتوان با دستهای متحد کارگران!



کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

خلق ها و مسئله ملی



طوفان در قنچان!

نگاهی به طرح " خودگردانی " نمایندگان هفت خاکمه در کردستان :

طرحی که هفت ویزه دولت در کردستان نسام " طرح خودگردانی " را شده است ، حرضی دگر از برامه " راه حل ساسی " هفت خاکمه در کردستان مساند ، این طرح را که ساسه ای دگرار عدم درک مسائل حقیقی و مدنی و دمستی با خواسته های بحق آنان از جانب هفت خاکمه است ، بطور مختصر مرور میکنم . برای ابتکار لازمست ببینیم که ساسا سادگانه سردمداران کنونی هفت خاکمه نسبت به خلقها و مسئله ملی چگونه است ، لازم نیست حای دوری نروسم از همین آفای فروهر یکی از اعضای هفت ویزه دولت در کردستان و دوست مدیمی بحتیار خاثن سرو ع می کنیم ، اینان که اسن روزها نلاس می کنند در کردستان با سخنرانهای خود اسن توده ها را بخسال خام خود ، فریب دهند در یکی از سخنرانهای خود

ریشه مسئله ملی را اینگونه بیان میکنند :
" ما سادریسه ها را سررسی کنیم سسسم که کردستان و سلوچسان چراسن جیس واس - کومه دچا رسم سدند ، خراسه آنها ظلم رسه اسن اسهباد در سسحه آن سسسم مسمر کر چه می بود که همه چیرا در تهران خلاصه میگردند ."

در اده این سخنان داریوش فروهر بعنوان مثال به اسنودن کارخانه های تولیدی در کردستان اشاره میکنند (روزنامه مباد ۲۱ آذر ماه ۵۸) . ملاحظه میکنید آفای فروهر فقط از " سیستم متمرکز در تهران " حرف میزند ، او زر زیم سرمایه داری شاه حرف نمی زند ، او از اتحاد زر زیم شاه با فئودال های محلی برای سرکوب خلق کرد حرف نمی زند ، او از نونسیم (برتری طلسی) فاریسی حرف نمیزند بلکه او از " سیستم متمرکز در تهران " حرف میزند و بنا چار به این راه حل می رسد که با یستی قدری از اختیارات دولت را به مسئولین محلی (که اسلیترین آنها ساس از جانب دولت انتخاب میشود) واگذا ر کرد ، اسن همان راه حل است که حتی شاه نیز بنوعی آنرا قبول داشت و تحت عنوان (تفویض اختیارات به اسان ندار) ان " از آن حرف میزند ، او همچنین از نبود کارخانه

بقیه در صفحه ۲۱

سنندج همچنان کانون بحران کردستان است

اقسا رو طیبان حه در سنندج و حه در دگر سپهرای کردستان داده سده اسب ، سسان می دهد که خلق کرداز همسکی و احاد مستحکی بر خوردا رسوده و هسنت خاکمه پیوده میگوید که خروج پاسداران را بسبب " تحریک عوامل معدود " نسبت دهد .

● دروغ نامه جمهوری اسلامی ، ارگان حزب حاکم ارگان عوا فریبان ، یورش دگری را بر علیه خلق کرد تدارک دیده است .

● هیئت ویژه دولت تاکنون هیچ قدم مثبتی در جهت خواست مردم برنداشته است .

بد نیست همینجا اناره کنیم که دروغ نامه جمهوری اسلامی ، ارگان رسمی حزب حاکم در این راه عوام - فریب همچنان یکتا زاست ، اینان که دگر قار نیستند در برخی موارد مستقیما با وه گوئی کنند ، دروغهای خود را از زبان اشخاص مجهول و در واقع خود ساخته ای منتشر می بارند . دروغ نامه جمهوری اسلامی مورخ دوشنبه ۱۷ دی با تیتردرشت مینویسد " حمایت مسلمانان کرد از پاسداران انقلاب بسیار گرفت " !! و بعد از یک سلسله با وه سلیها امضای " مردم مسلمان با وه " را زیرش می گذارد ! با درجای دگر در همان روزنامه و در همان صفحه زیر عنوان " تا عه یک شهروند سنندجی به ملت کرد " (؟!) خود را به این دزوان درمی زند تا چنین وانمود کند که اسوللا در سنندج کسی خواهان خروج پاسداران نیست و تنها معدودی " الت دست عده ای چپی خاثن وجب نمای ضد اسلام " شده اسد!

برای اینکه ما هیت این خاثنین دروغگو عیان تر شود بهتر است خوانندگان ما بدیگر روزنامه ها از

بقیه در صفحه ۲۵

هیئت ویزه دولت که داری اختیارات کسوری و لشگری است ، با فشاری خود برای اسقرا ر پاسداران غیر بومی در سنندج ، کردستان را بسوی جنگ دیگری سوق می دهد . در حالیکه کلیه اهلانی شهر سنندج و حتی دگر نپه های کردستان خواهان خروج پاسداران از سنندج می باشند ، هیئت ویزه همچنان با سرسختی مدعی است که محور پاسداران برای حفظ امنیت شهر ضروری است و بهیچوجه سنا پیدا ز شهر خارج شوند ! در حقیقت هیئت ویزه با دفاع از پاسداران مستقر در سنندج از اعمال تحریک آمیز وضد مردمی آنها پشتیبانی کرده و عملا برای تنها جمجدد به کردستان زمین چینی می کند . هیئت نمایندگی خلق کرد در هشتمین اطلاعیه خود از جمله می گوید " هیئت نمایندگی خلق کرد با علم به توطئه ها می که برای شکست مذاکرات و تحمیل مجدد جنگ به کردستان در جریان است ، اقدامات ضد مردمی و تحریک آمیز سپاه پاسداران سنندج را محکوم کرده و در برابر عواقب وخیم آن جدا هشدار می دهد " . این گفته به خوبی ما هیت جنگ افروزان جمهوری اسلامی را نشان می دهد . نشان می دهد که این نه خلق که هیئت خاکمه است که برای جنگی دگر ترندارک میببند ، هما نظور که شیخ عزالدین حسینی در اعلامیه مورخ ۵۸/۱۵/۱۵ گفتا است " کلیه طبقات مردم قهرمان سنندج به اعتبار عمومی و تحمیل در اسان ننداری و مسجدجا مع شهردست زده و خوا ستار خروج بی قید و شرط پاسداران از شهرستان سنندج و خاکمه و محازات عاملین قتل و جرح مردم بی دفاع سنندج شده اند " با وجود این هیئت ویزه هیچ قدم مثبتی در جهت خواست مردم برنداشته است . سیل پیا میسا و اعلامیه ها می که بعنوان پشتیبانی از خواسته های متحضرین و محکوم نمودن پاسداران از طرف کلیه

نمونه ای از یک دادگاه خلقی

همزمان با ورود پیشمرگان به شهرها ، عده ای فرصت طلب و مزدور به تحریک محافل ارتجاعی همچون احمد مفتی زاده (جاش کسیر) این خاثن به خلق کرد ، به راهزنی در جا ده ها برده اخته و مسافران را بخت میگردند ، آنها از یک طرف بمنظور ایجاد دیدنی نسبت به پیشمرگان کرد ، خود را پیشمرگه می زدند و از طرف دیگر با ایجاد هرج و مرج در مناطق کردنشین دست دولت را برای تهاجم و اشغال نظامی بمنظور " حفظ امنیت " بازگذا رند .

روز ۵۸/۹/۲۵ سازمان انقلابی زحمتگسار

ناراحتی چمران از افشای توطئه جدیدش!

روز سه شنبه ۱۱ دیماه ادریس بارزانی (پسر ملامصطفی بارزانی) همراه با ۱۸۰ نفر که با پوشیدن لباس کردی خود را بشکل کردها در آورده بودند و همگی به آری بی جی ۷۰ و کلاشینکف مسلح بودند با یک فرود هوا سیمما از تهران عازم سنندج می شوند . اما به علت سدی هوا در همان فرود آمده و روز بعد به طرف سنندج حرکت می کنند ، فرود اضطراری این هواپیما در همان چمران ، چمران را که به لونیفتن اسن گروه به سرپرستی ادریس بارزانی اصرار داشته ، شدیداً ناراحت کرده است .

کردستان که عده ای از این مزدوران را دستگیر کرده بودا هالی سنندج را برای شرکت در خاکمه ایسن خاثنین دعوت نمود ، یکی از اعضای کومه له در مقابل اسنود جمعیت از جمله چنین گفت : " همزمان با عملیاتی که این راهزنان انجام میدادند ، آفای صاغان در را دیو و تلو سوزن اعلام میکنند که با ورود پیشمرگان به شهرها ، دگر درتها و جاده های غرب کشور اموال مردم را بسرقت میبرند ، گوی اسان ، قیلا ز اسن اعمال مطلع بوده اسن ، اینها نشان میدهد که دستهای مرموزی مشغول توطئه بر علیه خلق کرد می باشد ."

بقیه در صفحه ۲۵

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



اربابان شاهپرست با حمایت کمیته های اسلامی، علیه روستاییان توطئه میکنند

● اربابان شاهپرست سابق با حمایت باسکاهها و کمیته های اسلامی بر علیه روستاییان ده "اربط سفلی" (میان آب و آب) توطئه می کنند.

ده "اربط سفلی" در آذربایجان عری منطقه میان دو آب (محال آجرلو) قرار دارد. اس ده را ۶ خانوار است و ارباب آن حاج احمدخان کاظمی است. احمدخان در گذشته بیروستانیان منطقه جلی ظلم کرده است. بطور مثال بنا به گفته مردم "اربط سفلی" ریش سفیدان ده را سکا ردریک اتا ق جمع کرده و آنها را وادار به خوردن مدفوع کرده است و اسب سگ سرگردن روستا ثیان زنجیرا نداخته و بر سر ترا سیده آنها ماست می مالیده، سه زن و دو دختران روستا - ثیان تجاوز می کرده و...

بعد از قیام بیستم ماه احمدخان ارتس روستا - ثیان به تبریز فرار میکند. در اوخرناستان اسال مردم اسن روستا شروع به تقسیم مال احمدخان بین خود میکنند که عسارت بود از دو بیست هکتار زمین - یونجه، یک انبار فرش و چند انبار شمش گوشت، یک انبار رختخواب، چند انبار رختخوردار، زمین و گا و گوشتند. دهقانان به گا و گوشتند ارباب دستبندی زیند و از زمینها فقط آنها می را که همه ساله از ارباب اجاره میکردند بدست گرفتند. وقتی احمدخان بوسیله با سگا منطقه (تورخچی) از جرجان مطلع مسود

مبارزه زحمتکشانش "ملکان" علیه گرانفروشی

۵۸/۹/۳۰ - رئیس کمیته ملکان ارتواع مراغه که شخصی سما حاجی عرب فا سزاده میاسد، برحسی را که سهمیه ملکان بوده (۸۵ تن برای ۶ ماه) با دوسه فرد دیگر از مراد کمیته (که یکی از آنها شخصی سما است) ازاده بوده است (کلیوئی ۱۵ تومان در سیر به فروش میرساند. و فسی اهالی ارایین ما خرا اسخر مینوند. روز ۵۸/۹/۳۰ ساعت ۸/۵ صبح در مسدان صاحب الزمان جمع شده و بطرف کمیته راه میافتند. و از رئیس کمیته علت را حویا میسود، وی در حساب برخاس کنان شروع به شلیک میکند. ولی مردم متفرق نشده و با شعارهای "سرما به دارنا بود است"، گرانفروشی محکوم است "طرف مغازه های قاسم زاده و اقتدار زاده رفته و شیشه مغازه ها را شکستند. در همین حین افراد کمیته ۵ نفر اهالی را دستگیر و زندانی می کنند. فردای همین روز اهالی مجددا بطرف کمیته میروند و با شعارهای "زندانی ما ازاد با بدگردد"، "سرما به دارنا بود با بدگردد" خواستار آزادی زندانیان میسود. ابتدا کمیته چی ها به مردم توهین می کنند ولی مردم عکس العمل نشان داده و با شعار "مرگ بر کمیته چی عنا مرز دور" جوابشان را می دهند. کمیته ارسر مجبور به آزادی زندانیان میشود.

تحصن کسا و رزان "ملکان" و اعتراض علیه توطئه اربابان

۵۸/۱۰/۴ - قسمتی از زمینهای ملکان و چند ده اطراف این بخش متعلق به شخصی سما نادرخان اسفندیاری بر جشمیدخان اسفندیاری میباشد. دهات اطراف ملکان که این شخص مالک آنها است عسارتند از: ۱ - لک لک، ۲ - حاجی برکنندی، ۳ - آغ جزیره، ۴ - قوریجان، ۵ - تازه قلعه، ۶ - میدانجیح، ۷ - با بگود، ۸ - آتجدیزه، ۹ - قره چال.

در زمان اصلاحات ارضی زمینهای نادرخان تقسیم میشود لیکس سند آنها همچنان در اختیار نادرخان بوده است و وی همچنان از دهقانان ماهیانه مالیات میگرفتند. در حال حاضر این شخص برگشته و میگوید که مالیات را با بدپرداخت کنی و گرنه زمینها را از شما خواهم گرفت. سهمین خاطر کارگران و کسا و رزان این بخش بخاطر اعتراضی بپرداخت مالیات و نیز برای گرفتن سند رسمی و همچنین اعتراض به ندادن وام به کسا و رزان از تاریخ ۵۸/۱۰/۴ دست به تحصن در باک کسا و رزی و عمران روستائی ملکان زده اند. اهالی ملکان نرسنستیانی خود را از خواست این زحمتکشان اعلام کرده اند. در جواب از زحمتکشانش متحصن رئیس دادگاه انقلاب اسلامی مراغه خواهستهای آنها را غیر قابل بذیرس دانسته و بآردن مارک "ضد انقلاب" به آنها گفته است که اگر دست از تحصن و اعتصاب برساند رپده سده ترین وجه محازات خواهد شد!

گزارشی از مبارزات قهرمانانه روستای "بیشه کلا"

نظامی برقرار گردید. مقاومت قهرمانانانه دهقانان "معلم کلا" هیچگاه را حراط مردم نخواهد رفت. با روشن نگه داشتن آتش این انجرا و تنفر بی پایان نسبت به مرتجعین محلی و رژیم جلاد پهلوی بود که با نمایان شدن ظالمانه و مبارزات میلیونی خلقهای محروم و مستعبدیده، ما دهقانان این روستاها به مبارزه خود علیه ملاکین محلی و ایدای آنها شدت بخشید و سرانجام متواستند حدود ۲۴۰ هکتار از اراضی غصب شده خود را به جنگ آوردند. اما پس از قیام بیستم ماه و روی کار آمدن دولت بازرگان، از آنجا که این دولت سیاست بازاری سیستم وابسته امیر - بالسم و بازستاندن و بنا بود کردن همه دستاوردهای انقلابی آتی که توده های محروم باقیب خون هفتاد هزار شهید و صدها هزار زخمی بدست آورده بودند، در پیش گرفته بود. ما لکن محلی و سایر مرتجعین که نیا به سطنفاشی خوش دولت جدید در کسا وجود می یافتند، شروع به دسیسه جینی و توطئه و تهدید علیه

روستای "بیشه کلا" که در ۸ کیلومتری شسرق محمودآباد (مازندران) واقع است نمونه کامل و آئینه روشنی از جنایات، چپاولگری ها و غارت خاندان منقور پهلوی علیه دهقانان میهن ما می باشد. پس از اصلاحات ارضی آمریکاکی شاه خائنین، فاطمه پهلوی این رجاله درباری، در ادا مه سیاست تصرف بهترین و مرغوب ترین اراضی مزروعی، توسط سرهنگ شکرائی نوکر حلقه بگوش دربار و با همدستی مالکین محلی و ایدای آنها، تقریباً همه زمینهای روستاهای "معلم کلا"، "بیشه کلا"، "چهارافرا" و "آرم" را به زور از دهقانان گرفتند و آنان را بی خانمان نموده و تعدادی را بعنوان کارگر مزدور استخدام کردند. اما دهقانان هم زبانی ننشسته و با سام وجود در مقابل این زورگویی و تحا و زسی سرمانه به مقاومت برخاستند که از جمله آنها دفاع و مقاومت دلاورانه روستا ثیان "معلم کلا" در سال ۱۳۴۷ بود که به شهادت چند نفر از دهقانان و زندانی شدن عده ای دیگر منجر شد و متعاقب آن در این روستا حکومت

نقشه در صفحه ۱۱

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

چرا شوروی به کودتای مجدد دست میزند؟

افغانستان یک کشور نیمه‌شودال - نیمه مستعمره است که دارای ۱۶ میلیون نفر جمعیت می‌باشد (یک میلیون نفر آن سبیه هستند). علاوه بر منابع و شروتهای این سرزمین برای سوسیال امپریالیسم شوروی، موفقیت استراتژیک افغانستان دارای اهمیت ویژه است. با توجه به کشورهای احاطه کننده افغانستان و با توجه به اینکه نفوذ در این کشور شوروی را به "بهای گرم" و "بها به منطقه نفتی خلیج فارس" و اقیانوس هند نزدیک تری نماید، اهمیت با بگای و استراتژیک افغانستان مشخص می‌شود. با توجه به این امتیازات کشور افغانستان و رقابت روز افزون شوروی و آمریکا بر سر مناطق نفوذ بیشتر و نیز آنچه که در مورد "امین" گفته شد دولت توسعه طلب روسیه در پی آن برمی آید تا نفوذ سلطه خود را با کودتاهای دیگر مستحکم تر نماید.

کودتای آوریل ۱۹۷۸ افغانستان، در میدان رقابت آمریکا و شوروی، ضربه مهلکی بر منافع آمریکا در این منطقه از جهان بشمار میرفت. بدنبال این کودتا، امپریالیسم آمریکا کوشید تا رژیم های ارتجاعی دست نشاندۀ خود را در منطقه (پاکستان، ایران، ...) بیشتر تقویت نماید و کمربندی بدور افغانستان (برای جلوگیری از توسعه نفوذ شوروی) بوجود آورد. امپریالیسم آمریکا همچنین تلاش نموده با بسیج و سازماندهی نیروهای ارتجاعی و فئودالی درون افغانستان (خانها، فئودالها، سران عشایر و ...) بوسیله مزدوران مستقیم خود رژیمهای دست نشاندۀ اش در پاکستان و ... بخشی از ارتجاع محلی افغانستان را علیه رژیم بشورا و حکومت وابسته به شوروی را ساقط نماید (در این میان نباید نقش رژیم ایران نیز که به جتنای ارتجاعی در افغانستان کمک و یاری مینماید و بدین ترتیب به منافع امپریالیسم آمریکا خدمت می نماید غافل بود).

بدون شک کودتای کنونی افغانستان، که همراه با اشغال نظامی این کشور از سوی شوروی صورت گرفت، ضربه دیگری به منافع استراتژیک آمریکا در منطقه و رداخته و موفقیت امپریالیسم آمریکا را در این خطه بفتح سوسیال - امپریالیسم شوروی، متزلزل نموده است. بیهوده نیست که امپریالیسم جنایتکار آمریکا از طریق رژیمهای ارتجاعی خود در منطقه، دامنه کمک و بسیج و سازماندهی بخشی از نیروهای ارتجاعی افغانستان (فئودالها، خانها، وروحانیون و وابسته به آن) را در درون این کشور، علیه رژیم دست نشاندۀ "کارمل" افزایش داده است و تلاش میکند تا جنبش انقلابی خلق افغانستان را هر چه بیشتر به زیر رهبری این نیرو - های ارتجاعی بشکافد تا بتواند رژیم وابسته بخود و متکی به فئودالیسم منحن و بیوسیده در افغانستان بر سر کار آورد. رژیم کنونی افغانستان همچون دو رژیم پیشین، اکنون نادر دشمن روست که به پایهای اقتدار آن را در معرض خطر قرار میدهد.

از یکسو جنبش انقلابی مردم افغانستان قرار دارد که سرکوب عمده آن اردقنان فئودالیست و ستم دیده است. این جنبش که در نارضایتی شدید نسبت به حکومت وابسته کنونی (همچون تمام سلاف دیگران)

سوسیال امپریالیسم شوروی و کودتای افغانستان

نور محمد تره کی که بود؟ وی تا سال ۱۹۵۳ همکاری نزدیکی با محافل امپریالیستی غرب (آمریکا و انگلیس) داشت و در مکتب آنها به مثابه یک مهره سرسپرده و آشنا به رموز خیانت و جنایت، پیرویش می یافت.

"تره کی" رهبر حزب خلق و "ببرک کارمل" رهبر حزب پرچم متحد شده، مشترکاً نشریه "خلق" را انتشار میدهند و هر دو حزب رویزیونیست به ستایش داد و فاشیست می گردانند. دو حزب رویزیونیستی مذکور در سال ۱۹۶۵ با وحدتشان "حزب دمکراتیک خلق" را بوجود می آورند و در سال ۱۹۷۳ به سبب اختلافات گروهی از یکدیگر جدا میشوند ولی در سال ۱۹۷۷ به منظور تدارک مقدمات کودتا علیه داودخان، (بدستور شوروی) مجدداً متحد می گردند. در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ همکار "تره کی" نخست وزیر او "حفیظ الله امین" کودتا کرده و "تره کی" کشته میشود. رژیم جدید از حمایت شوروی برخوردار شد و متکی به "کمک" های نظامی - اقتصادی وی می گردد.

پس از سقوط رژیم ارتجاعی و وابسته "تره کی"، رژیم "امین" که با تسلیحات روسی مجهز است، بیش از گذشته و بنحو خفونت با ری به مبارزات توده های افغان هجوم برده و دهات را زیر بمباران هواپیما - های جنگی خود قرار میدهد و به تعقیب، دستگیری و شکنجه مبارزین و انقلابیون می پردازد. ولی او ناتوان از سرکوب جنبش مردم است و نمیتواند بحران اقتصادی - اجتماعی را تخفیف دهد. بعلاوه "امین" در این اواخر تمایلاتی نسبت به امپریالیسم غرب پیدا میکند. این مسائل و در ضمن نگرانی از تاثیر پذیری جمهوریهای مسلمان نشین شوروی از جنبش افغانها، رهبران کرملین را بر آن میدارد تا به کودتای دیگری دست بزنند و "ببرک کارمل" مزدور را بر اس قدرت بنشانند.

امپریالیسم به کودتای دست می زند زیرا با منافعی در خطر افتاده و یاد داری گسترش با زهم بیشتر نفوذ خود می باشد. سوسیال امپریالیسم شوروی نیز با توجه به ماهیت امپریالیستی و اهداف سلطه طلبانه اش به کودتای دست می زند. از این زاویه است که کودتای شوروی در افغانستان قابل توضیح می باشد.

"ببرک کارمل کیست؟"

"کارمل" از یک خانواده اشرافی بوده و پدرش یک سیه افغانی است. او با خانواده "ظا هر شاه" بیوندا خانوادگی دارد.

"کارمل" تا سال ۱۹۶۵ دارای یک شغل دولتی در وزارت برنامه می‌باشد. در زمان "ظا هر شاه" سه عنوان نماینده "حزب دمکراتیک خلق" به پارلمان شاهنشاهی می رود و معتقد است که ظا هر شاه "مترقی - ترنس ساه آسیا" می‌باشد. در زمان "تره کی" مزدور او معاون ریاست جمهوری میشود. بدسال بروز نسکی اختلاف بین باندهای رویزیونیستی "کارمل" سعیر افغانستان در کسلوگی شده و در زمان امین او و بارانس به اروپای شرقی تبعید میگردد.

سوسیال امپریالیسم شوروی، در رقابت خود با امپریالیسم تجار و گزرا آمریکا و بیجهت حفظ و گسترش با زهم بیشتر سلطه اش در مناطق مختلف جهان، دست به کودتای جدیدی میزند. شوروی که در زمان لنن و استالین، پشتیبان خلقها و انقلاب آنان بوده امروز پشتیبان ارتجاع و دشمن سر سخت انقلاب می‌باشد. در حال حاضر شوروی در راه منافع امپریالیستی اش علیه انقلاب خلقها، برولتا را و جنبشهای آزادیبخش توطئه می چبند و علیه کشورها به حمله مسلحانه و تاج و ز مستقیم و آشکارا دست می یازد.

رویزیونیستهای خائن کمیته مرکزی حزب توده کودتای نوع روسی را انقلاب میخوانند، فروش اسلحه از طرف شوروی به رژیمهای مرتجع را کمک انترناسیونالیستی می نامند و اعزام مستشار و استقرار پلایگا نظامی شوروی در خاک یک کشور دیگر را اقدامی جهت تسهیل انقلاب و پیشرفت سوسیالیسم میدانند. از نظر کمونیستها، انقلاب نتیجه جریسان بازات انقلابی و قهر آمیز توده ها علیه ارتجاع و امپریالیسم است، نه انقلاب را میتوان صادر کرد و نه کودتا را میتوان انقلاب نامید. اقدام نظامی بخشی از "بالائی" ها علیه بخشی دیگر را حمایت یک کشور امپریالیستی، نه انقلاب بلکه کودتای نظامی و ارتجاعی است. همانطور که لنن و استالین با رها تکرار کردند، اساسی ترین اصل سیاست خارجی یک کشور سوسیالیستی، انترناسیونالیسم پرولتری است ولی مسئله اینجا است که کودتا، کمک انترناسیونالیستی نبوده، بلکه یک اقدام امپریالیستی می‌باشد. فروش اسلحه بمنظور کسب سود هر چه بیشتر نه کمک سوسیالیستی، بلکه سوداگری تسلیحاتی امپریالیستی است. اعزام مستشار و استقرار پلایگا نظامی در کشورهایی با رژیم فئودالی، نه تنها اقدامی در جهت گسترش انقلاب نیست، بلکه حرکتی است بمنظور اعمال نفوذ و سلطه امپریالیستی در آن کشور.

امپریالیسم به کودتای دست میزند زیرا با منافعی در خطر افتاده و یاد داری گسترش با زهم بیشتر نفوذ خود می باشد. سوسیال امپریالیسم شوروی نیز با توجه به ماهیت امپریالیستی و اهداف سلطه طلبانه اش به کودتای دست می زند. از این زاویه است که کودتای شوروی در افغانستان قابل توضیح می‌باشد.

در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳، سردار محمد داودخان با یک کودتا سلطنت محمد ظا هر شاه را منقرض میکند و اعلام جمهوری می نماید. کودتای داودخان مورد حمایت شوروی قرار میگیرد، ولی داودخان که در ابتدا امر سرسپردگی کامل به سوسیال امپریالیسم شوروی نشان میدهد و یکسری قراردادهای اسارت آور منعقد می نماید، در او اخراج حکومتش، به امپریالیسم غرب تمایل پیدا میکند و برای تحکیم موقعیت خود، رهبران باندهای رویزیونیستی "پرچم" و "خلق" را دستگیر می‌کند.

با توجه به این امر شوروی که از مدتی پیش به وسیله نیروهای رویزیونیست و نفوذ وسیع در ارتش، تدارک مقدمات کودتا را داده بود، با هدایت و کمک جاسوسان خود در ظرف ۲۴ ساعت به یک کودتا دست میزند و با این ترتیب در ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ رژیم داودخان سقوط میکند و در ۳۰ آوریل ۱۹۷۸ "نور محمد ترکی" حامی گسترده سوسیال امپریالیسم شوروی رئیس دولت میثود و بلافاصله دولت شوروی وی را رسمیت می‌بخشد. اس کودتا، "انقلاب سور (فوریه)" نام می‌گیرد.

دست اندازی آسکاره حریم یک کسور دیگر، مداخله در امور داخلی و سرکوب مستقیم جنس خلق و با شمال کردن جنوی عادلانه آنها (سخت پوشش سرکوب و سرورهای ارتجاعی - فتوئالی) است. این کودتا و دخالت نظامی یکبار دیگر ما هیت متجاوز و سربا - لیستی شوروی را روشن ساخته و ما هیت متجاوز اس ما هیت در فتاده آشتی ناپذیر ما هیت یک کشور سوسیالیستی است.

رویزیونیستهای خائن حزب توده می کوشند تا با منحصر کردن مخالفین رژیم افغانستان به این نیروهای ارتجاعی و مخدوش کردن مبارزات حق طلبانه خلق افغانستان که از اصلت انقلابی برخوردار است و ما هیتا با جنبش ارتجاعی نیروهای فتوئالی علیه رژیم کتونی افغانستان در تضاد قرار آرد، بر چهره رژیم وابسته افغانستان و کودتا های ارتجاعی و ضد انقلابی شوروی در افغانستان، پرد مساترا فکنند.

بر پایه حوادث فوق، مزدوران کمیته مرکزی حزب توده با زهم "کودتا" را انقلاب خواندند و با زهم به مشاطه گری سوسیال امپریالیسم شوروی پردا ختک جذب توده و قیحا نه رژیم "امین" را که تا دیروز در روز نامه "مردم" اش "رژیم خلقی" می نامید و از آن پشتیبانی میکرد، امروز پس از کودتای اخیر یک "رژیم امپریالیستی" میخواند! این امر در منطق مزدور منشا نه آنها، طبیعی بنظر میرسد. اما رفتای فدائی چه خواهند گفت؟! با زهم از رژیم های مرتجع و رویزیونیست ساخته و پردا ختک شوروی تیبکا ر دفاع خواهند کرد؟! اقدامات تجاوزکارانه سوسیال - امپریالیسم شوروی را در تهاجم نظامی به افغانستان تا شیدخواهند کرد؟ بدون شک دیدگاهی که شوروی را سوسیالیستی و "دولت" خلقها ارزیابی میکند، چاره ای جز دنیا لروی از حزب توده و دفاع از سوسیال امپریالیسم روس و اقدامات تجاوزکارانه آن ندارد. مواضع اخیر این سازمان نسبت به حوادث اخیر افغانستان (کا ر شماره ۴۰) این واقعیت تل را نشان می دهد. و جای هیچ شهبه باقی نمیگذارد که فدائیان گامبکا موباشاب فزاینده ای، بسوی مرداب رویزیونیسم حرکت می کنند. ما رفتای فدائی را نسبت به چنین خطر بزرگی هشدار میدهم و در آینده خواهیم کوشید تا این مواضع را مورد ارزیابی بیشتری قرار دهیم.

اکنون بر اساس منافع خود به ما بله ما رژیم حاکم افغانستان سرخاسته اند، خطر بی عظمی سررحشش انقلابی افغانستان محسوب میوند و در واقع در صورت تسلط کامل بر جنس انقلابی این منطقه، مینواند آنرا به سلطانی برای تسلط امپریالیسم تبدیل کرده، یک رژیم ارتجاعی فتوئالی وابسته به امپریالیسم آمریکا را روی کار آرد. ما فت عقب - مانده غیرتی افغانستان، زمینه بسا رسا عدی برای بشمر رسیدن چنین توطئه و سوء استفاده خائنه ای است. این نیروهای ارتجاعی هم اکنون از قدرت نظامی و سیاسی وسیعی در افغانستان برخوردارند و خطر مهمی برای رژیم ارتجاعی کتونی افغانستان محسوب میشوند.

رویزیونیستهای خائن حزب توده میکوشد تا با منحصر کردن مخالفین رژیم افغانستان به این نیروهای ارتجاعی و مخدوش کردن مبارزات حق طلبانه خلق افغانستان که از اصلت انقلابی برخوردار است و ما هیتا با جنبش ارتجاعی نیروهای فتوئالی علیه رژیم کتونی افغانستان در تضاد قرار آرد، بر چهره رژیم وابسته افغانستان و کودتا های ارتجاعی و ضد انقلابی شوروی در افغانستان، پرد مساترا فکنند. آنها تلاش می کنند تا اقدامات کودتا گرانه و تجاوزکارانه سوسیال امپریالیسم شوروی را در افغانستان مقابله با ارتجاع فتوئالی جلوه دهند و آنچه که در این میان مزورانه مسکوت می گذارند، جنبش انقلابی خلق افغانستان میباشد که علیه رژیمهای ارتجاعی و دست نشاند شوروی که در پی هم میآیند می روند، سمت گیری نموده است. کودتای اخیر افغانستان بطور واضح آشکار چهره تجاوزکارانه شوروی را بنمایش گذاشت. دیگر حتی زرادخانه تبلیغاتی تمام نیروهای رویزیونیستی جهان نیز فاقد بره پوشاندن ماهیت آن نیست.

برونفا این تزار کرملین در ۱۹۶۸ میگفت: "در قبال سرششت سوسیالیسم در کشورهای دیگر ما نمی توانیم بی تفاوت بمانیم." معنای این سخن دوماه بعد روشن تر گشت. بدین ترتیب که دوماه بعد ارتش مهاجم شوروی، چکسلواکی را اشغال نمود! این حرکات تجاوزکارانه شوروی تاکنون بارها و بارها تکرار گشته است. در کودتای اخیر افغانستان، شوروی نیروهای نظامی و سربازان خود را مستقیما در جنگ داخلی وارد ساخته و مناطق حساس کشور را اشغال می نماید، سپس از اسقط کردن رژیم گذشته، رژیم جدید را بر سر کار می آرد. این امر بیان تجاوز و

بسر میبرد، علیه آن به مبارزه برخاسته است. نیروهای انقلابی افغانستان، که البته هنوز ضعیف و غیر متشکل و فاقد پایه و نفوذ فراوان در میان توده های زحمتکش هستند، در کنایه جنبش افغانستان قرار دارند و بر علیه رژیم وابسته کتونی مبارزه میکنند. جنبش خلق افغانستان اگر چه بدلیل ناآگاهی و عقب ماندگی توده های زحمتکش این کشور و بافت عشیرتی و دهقانی آن، در معرض خطر نفوذ رهبانان ارتجاع مذهبی، سران عشا بر و فتوئالها، قرار دارند که میکوشند این جنبش را بزرگتر رهبری خود قرار دهند (و تا حدودی نیز موفق شده اند). اما این واقعیت تلخ نمی تواند کوچکترین تردیدی در حقانیت مبارزات حق طلبانه و عادلانه خلق افغانستان علیه ارتجاع و امپریالیسم وارد آرد. از سوی دیگر بخشی از ارتجاع منطقه افغانستان که عمدتا فتوئالها و سران عشا بر مرتجع افغانستان را تشکیل میدهند، به مقابله با رژیم افغانستان بر خاسته است. این نیروهای ارتجاعی که از پایه قوی و محکمی هم در میان توده های روستایی افغانستان برخوردارند، یکی از خطرات مهمی است که رژیم افغانستان با آن روبرو است. مهمترین و پرنفوذ ترین نیروی وابسته به این بخش از ارتجاع داخلی افغانستان، "اخوان المسلمین" است که بمشابه با زوی مسلح و نیرو مندا امپریالیسم غرب و بیوزره آمریکا و ارتجاع فتوئالی افغانستان علیه رژیم فعلی افغانستان می جنگند. این نیروی سیاسی فتوئالی با پوشش مذهبی توانسته است نفوذ فراوانی در میان روستاهای افغانستان و بخصوص بخشهای شرقی آن بدست آورد و بدین ترتیب جنبش انقلابی افغانستان را به انحراف بکشد. این نیروهای ارتجاعی، از طرف امپریالیسم و ارتجاع بین المللی (عربستان، پاکستان، ایران...) و دا رودسته ارتجاعی حاکم بر چین و سیما تقویت می گردد.

بخشی از ارتجاع منطقه افغانستان، که عمدتا فتوئالها و سران عشا بر مرتجع افغانستان را تشکیل میدهد بمشابه با رژیم افغانستان برخاسته است. این نیروهای ارتجاعی که از پایه قوی و محکمی هم در میان توده های روستایی افغانستان برخوردارند، یکی از خطرات مهمی است که رژیم افغانستان با آن روبروست. مهمترین و پرنفوذ ترین نیروی وابسته به این بخش از ارتجاع داخلی افغانستان، "اخوان المسلمین" است که بمشابه با زوی مسلح و نیرو مندا امپریالیسم غرب و بیوزره آمریکا و ارتجاع فتوئالی افغانستان علیه رژیم فعلی افغانستان می جنگند.

هم اکنون در کشور پاکستان (وشاید ایران...) بیگاههای نظامی وسیعی برای تربیت نیروی نظامی و فرستادن آن به خاک افغانستان بوجود آمده است. این نیروی سیاسی - مذهبی ارتجاعی بسویله های از نیروهای مذهبی ارتجاعی کوچکتر احاطه میشود که هر یک بنحوی با نیروهای ارتجاعی بین المللی و امپریالیستی غرب رابطه دارند. ارتجاعی بودن این نیروها بحدی است که چندین پیش از ظهرا ه دعوت کردند که کشور با زگردو در منطقه آزاد شده سلطنت خورا از سر گیرد! شکی نیست که این نیروهای ارتجاعی که هم

افشاء نکردن نام ساواکیها، خدمت به امپریالیسم است

درخواست کارکنان رادیو و تلویزیون و خلقهای قهرمان ایران و خانواده های ۷۰ هزار شهید و دهها هزار غلیل و آسیب دیده افشای فیر ساسی آنان است. در حالیکه شما مخلقهای ایران یکبار رجه شعار مرگ سرامبرالیسم میدهند و خواهان قطع ریشه های آن از تها مپا بیگهایش هستند و عواطن را رسوا میکنند، عدم افشای اسامی ساواکیها خدمت به امپریالیسم است. چنانچه شما ظرف یک همته این کار را تکمیل خود اقدام به اس کار خواهیم کرد.

گروهی از کارکنان رادیو و تلویزیون طی اعلامیه مورخ (۵۸/۱۵/۱۵) خود از شورای سرپرستی رادیو و تلویزیون خواسته اند که اسامی ساواکیهای رادیو و تلویزیون منتشر شود، در زیر متن این اعلامیه را ملاحظه میکنید:
اخطار به شورای سرپرستی رادیو و تلویزیون و ...
از ساواکیهای رادیو و تلویزیون تنها تعداد انگشت شماری اخراج و با خرید (خرید خدمات صادقانه ملی حدساله) شده و بقیه با در پست خرید ابقا شده و با از واحدی به واحد دیگر جابجا شده و کماکان به خدمت! مشغولند.

حذف بهره‌و امها " یک رقم پوزژوئی (۲) در چهارچوب حفظ سرمایه داری وابسته

در سماره قبل بعضی بانکها به لحاظ وابستگی مستقیم یا باحصار از امیراللمسی اشاره کردیم و کتسم که ما می بانکها بطور مستقیم وابسته اند. احصار از امیراللمسی اندو در آخر سوبه ها ثنی از سرمایه گذاری امیراللمسی در ما می بانکهای خارجی آوردم که جدول ۱ میزان سرمایه گذاری امیراللمسی را در تعدادی از بانکهای ایرانی نشان می دهد.

ما بهمان که نمایندگی گروهی از بانکها برای دریافت اقساط وام یا نقد ملیون دلاری ایران را برعهده دارند از بانکهای وام دهنده خواسته است که نظرشان را در مورد عدم پرداخت ۴ ملیون دلار بهره شش ماهه این وام از سوی ایران ابراز دارند. تصمیم این گروه بانکهای وام دهنده بر این شد که با اعلام قصور در پرداخت از جانب ایران خواهان بازپرداخت سش از موعده مبلغ بدهی گردند. ما به روشنی اعلام میکنیم که بانک مرکزی ایران به بهره مذکور را بیس از سررسیدن آن پرداخت کرده است و بانک جیس ما نهان با دروغ پرداختی و پراکنسند شایعات فریب دهنده در سیستم بانکی جهانی بازی خطرناکی را آغاز کرده است... اکنون که فریبکاری بانک جیس ما نهان آشکار شده است، ما اعلام میکنیم بنا به دستور که روز پنجم نوا مبراز جانب دولت

اعتبار رازی سازمانیکند، از خراج کرده، کالاهای سنج و غیر ضروری وارد میکنند. لیکن به خرده کاسب فقیر، نه یک مهندس جوان و سی سرمایه‌ونه یک دهقان تهیدست میتوان از این اعتبارات عظیم و بیلا استفاده با نکجا نصیبی سرد و هتوز هم اگر کارگران کاخانه ای که ما حیانش فرا کرده و با خرنمیونند کاخانه را دایر کنند، بخوا هند مستقل و با استفاده از اعتبارات بانکی این کار را بکنند یا شکست روبرو میشوند".

بکارگردان همان سرمایه داران وابسته در راس بانکها و تنکبات آنهاست که امروز میبینیم بانک مرکزی ایران با افتخار تمام! در سرا سر تهیدی که بانک جیس ما نهان در برابر بلوکه کردن اموال ایران در بانکهای آمریکا ثی کرده است از پرداخت بهره های وام به بانکهای آمریکائی توسط ایران سخن میگوید: "بنا به اطلاع رسیده بانک جیس -

با توضیح مختصری که در سماره قبل دادیم بروسی میتوان به نقش و اهمیت بانکها در استعمار و غارت خلفهای ایران و حفظ و توسعه وابستگی به امیراللمسی بی پردو با این نکته اساسی رسید که ملی کردن بانکها در درجه اول در رابطه با حفظ وابستگی این موسسات به امیراللمسی و سرمایه داری وابسته و معادله سرمایه های امیراللمسی معنی میدهد و نه در چیز دیگر. خبانتی که دولت با زرگان با دولتی کردن این موسسات غارت و استعمار مرتکب شد در همین رابطه قابل توجه است، (۱) زیرا این امر نقش بسیار مهمی در ادامه بحران اقتصادی و وابستگی به امیراللمسی بازی میکند. چندانکه فرصت دادن به سرمایه داران وابسته در شرایط موجود که بحران اقتصادی رویه فزونی است به سرمایه داران ما حسب این بانکها فرصت داد که تمامی سرمایه های خود را از این بانکها بخارج از کشور منتقل کرده و در واقع با دولتی کردن این بانکها، دولت بازرگانان میلیاردها دلار از در آمد ملی را خرج این بانکهای ورشکسته کرد تا دوباره بتوانند ورشکستگی شان را جبران کرده و مجدداً با غارت و استعمار خلق بپردازند جبران کرده و مجدداً با غارت و استعمار خلق بپردازند (۲) "همان کسی که قرار داد چند میلیار دلاری ایران و آمریکا را منعقد کرد، یعنی هوشنگ انصاری شای دیروز زوزارت امورا اقتصاد و دارائی حقوق خود را در پیافت میگردد است" (۳).

در همین رابطه چندین پیش سندیکی کارکنان بانک تهران در نامه سرگشاده ای نوشتند: "سیستم بانکی کشور دست نخورده است، نحوه مدیریت و توزیع اعتبارات، نقش کارکنان در ادارات، همه و همه همان است که قبلاً بوده و مسلماً چنین سیستم بانکداری فقط و فقط بپرداز حیات سرمایه داری وابسته میخورد و نمیتواند خدمت ساخت ایران را آنا دو مستقل گرفته شود. همچنین در بخش اعتبارات بجز آنها که مرا کرده اند، وام گیرندگان و مستریان عمدتاً همانها ثی هستند که بودند. این کشور دیگر به دلالت و واسطه ها نیاز ندارد. اما منافع بانکها هنوز هم در روسی بخشیدن به کسب و کار این قشریکسار سرود. در حالیکه سرمایه داران وابسته و دلال به سادگی و تا امای چند سفته ملیونها وام میگیرند،

- (۱) - لازم سد کراس که هیئت حاکمه فقط اداره بانکها و نرمس ورشکستی آنها را برعهده گرفت و در مالکیت سردها و سهام بانکی تغسیری داده شده است.
- (۲) - احرا سنی صدر به اس حان عظیم هبشت حاکمه اعتراف کرد، او در مصاحبه ای گفت که رقم بدهی بانکهای دولتی سدها احصار از امیراللمسی بالغ بر ۱۵ ملیارد دلار بوده است که اس رقم فوی - المعادله ریادی است، حال آنکه مجموع سرمایه این بانکها سار کمتر از این رقم است.
- (۳) - احصار دولتی، هسم دی ماه ۵۸.

نام بانک ایرانی	سایتهای شریک خارجی	ت (میلیون دلار)	ر (میلیون دلار)	س (میلیون دلار)	ا (میلیون دلار)
ایران وانگلسس	بانک اسنا تدارد اجا نرد (لندن)	۳۴/۸۶	۰/۱۴	-	۳۵
آران و خاور میانه	بانک انگلیسی خاور میانه (لندن)	۳۴/۸۲	۰/۱۸	-	۳۵
ایران و عرب	اوگر دیت اند کمرس انترنشنال اس-اس ای	۱۵/۳۳	۱۷/۶۷	-	۲۳
بانک بین المللی ایران	جیس ما نهان بانک نیویورک	۳۵/۰	-	-	۳۵
بانک بین المللی ایران و ژاپن	بانک توکو	۹/۰	۱۸/۰	۴/۵	۳۱/۵
تجارت خارجی ایران	بانک آمریکا، بانک هلند بانک بازرگانی ایبالا	۴۰	-	-	۴۰
بانک توسعه صنعتی و معدنی	جیس ما نهان	۱۴/۲	۰/۰۵	۱/۰۵	۱۵/۳
توسعه سرمایه گذاری ایران	بانک اعتبارات ژاپن بانک طون (فرس بوس ای - جی) بانک پارس ای - جی بانک ویلیامز و کلسر	۱۶/۸۰	۱/۳۹	-	۱۸/۱۹
بانک تهران	پارسلان انترنشنال (پارس) بانک زیونالی دلوار (رم) بانک دس پیر بای (بلژیک) " " " (سوئیس) بانک اتومان (پارس)	۳۰/۰	-	-	۳۰/۰
بانک داروش	بانک سانوا (پارس)، کنسول سال بانک پاسنیک نیویورک سکاگو	۲۵	-	۱۰	۳۵

جدول ۱ - میزان سرمایه گذاری امیراللمسی در تعدادی از بانکهای ایران

بقیه از صفحه ۷ گزارش می آید...

دهقانان می کنند. روسا نشان همسانه سوهم جو سست به رژیم جدید، نه "دادگاه انقلاب" سکا سب می کنند تا به اصطلاح این دادگاه انتقام حسون شهیدان "معلم کلاهی" ونیز سا بوجنا یانی که اسس ملاکین و مرتجعین در قبال کشا ورزان مرتکب شده بودند با زسی گیرد. لیکن سراجام چیزی جز سر - دواندن وبی توجیی ومکوت گذاشتن آن، از طرف "دادگاه انقلاب" نصیب دهقانان نند، کار به جاشی رسیده بود که حتی مسلحان دهقانان را نهید می - کردند و چندانما هپیشا اهلای بیسه کلا بخا طرا بسن تهدیدات وندا شتن امنیت به فرمانداری آمل آمده ضمن تحسن در آنجا خوا ستا رسیدگی وتضمین امنیت برای خود درده شدند. گویا آقای حسن زاده از روحا - نیون معروف هم به دهه بیسه کلا می رود، اما ز آنجا که زندگی این آخوند مرتجع از قبل کمکهای نیاشها ، شاکری ها وسا برمالکین وتجا رهبری می گذرد، جانب مالکین را میگیرد تا آنجا که مالکین در پیش حسن - زاده ، بدترین توهین ها وفحاشی ها را در حق دهقانان روا می دارند. اما تجربه توده ها به خودشان درس می دهد و این درس را دهقانان بیسه کلا بخوبی فرا - گرفته اند: دیگر نیاید به هیئت خاکمه چشم دوخت ، دیگر نیاید به "دادگاه انقلاب" توسل جست . یاید برای محاکمه وتنبیه این مرتجعین به نیروی خود متکی شوی به توده های زحمتکش سا بر روستا ها روی آورد. بدنبال این درک تجربی بوده که کشا ورزان بیسه کلا طی یک اعلامیه افشاگرانه که در آن ماهیت و عملکردهای کثیف مالکین وایادی آنها افشا شده بود از اهالی سا بر روستا های همچوا ردعوت کردند که روز جمعه ۵۸/۱۰/۱۴ در راهیپما شای علیزه مسنداران ومالکین مرتجع این روستا شرکت جویند. در ایسن

اعلاصه رحله در راه مالکسی محلی وایادی آنها حسن آمده است: "آقا جان حق بناه ، عرب الله حق بناه ، باب اللدرسمی، کاطرسمی وحسن مسایح سورسکت در کسا بریرحما نه مردم منلم کلا و عص زمشهای دهقانان وکتک نه رهک سکا شسی مزدور دربارنا ه (عرب حق بناه ۷۰هکتار و آقا جان دارای ۴هکتار زمین می ناسد) ، ۲- اسفندیار بیسه کلاهی وشیراکن بیسه کلاهی ورمان زروک ، تجا وربهان ومال وسا موس مردم وسوا استعاده ازوامهای شرکت تشارونی ، که خودسان در راس آن بودند، (شیراکن دارای ۴هکتار زمین مساسد) ، این دعوت وافشاکری مربوط به آن، مورد سشتیبانی روستا ثیان همچوا رقرا رگرفته روز جمعه جمعیت زیادی از اس روستا ها همرا ه با دهقانان بیسه کلا در میدان آزادی این روستا اجتماع کرده وبا شعارهای چون: "افکن بیسه کلاهی واسفندیار بیسه کلاهی ، وابسته به پهلوی اعدا ما با سگ کردند" ، "عرب حق بناه و آقا جان حق بناه وابسته به پهلوی اعدا ما با سگ کردند" ، دست نه تظاهرات زدند. از طرف دیگر مالکین مزبور هم با احیرموند حنند مزدور به مقابل آنها بر داختند و حتی از تنگهای سکاری خود علیه دهقانان استفاده کرده و در درگیری

حقی کدسی آبیاری داد و خدسی ارد هقانان ر حقی سدد کدکی آرتیها سا محسن علی راده سلسلس و جانب خالس نه سیران اسنال ساقب . دهقانان بحسم آمده ، خانه اسفندنا رسد کلاهی وسرما بیس رعتان رروک وهجنس یک سلا ر راه آس می کسد و سس نا ه حق بناه سورس برده و آسرا سک سارا ن منکسد ، البیه در حق درگیری ما موران سروهای هوائی مسفرد برنا سکا هسه کلا ویا سارا س که از سپرهای اطراف نه آحا آمده بودندا تیرا سدازی هوائی صدمتفری کردن دهقانان را دادا سسدلیکس آتش خشم وکین انقلابی دهقانان رروزان ترازان بود که تیراندازی هوائی بر آن خاکسرتیرا سسد . بر خوردنا سارا ن نسب به اس وقایع چیزی جز حاسات کامل از مالکین محلی ومرتجع نیود و ابسن امخود در ساقب بیسرا یین "گاردهای جا ویدان" رژیم جمهوری اسلامی بسا ر مونتیر بود وهسه دهقانان به سرفرازان یا دسکرده س.

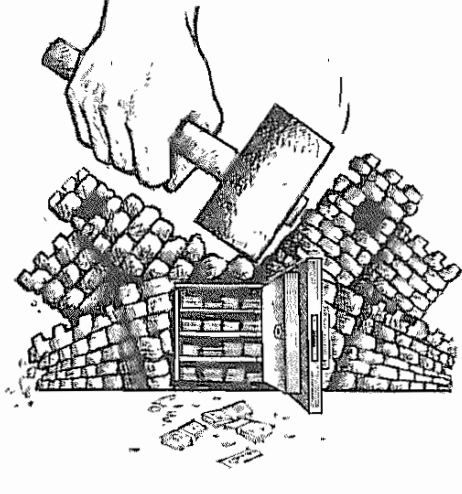
پس از پایان درگیری در ساعت ۲/۳ بعد از ظهر با سارا ن حکومت نظامی درده اعلام میکنند ، اما صبح روز سدد (شنبه ۵۸/۱۰/۱۵) کشا ورزان بیسه کلا اجتماع کرده و برای رسیدگی به خوا ستها یشان ، به صدمتخص به سمت مسجد محل می روند که مجددا بسا تیراندازی از جانب ابادی مالکین مواجه میشوند. دهقانان خشمگین ضمن دادن شعار "افکن ، افکن ، دشمن مستضعفان" (منظور شیراکن بیسه کلاهی است) قصد حمله به خانه این مرتجع را دارا رند که یاسارا ن مانع نموده وشیراکن را خلع سلاح و دستگیر میکنند . اما دهقانان پس از سگ سارا ن کردن خانه سرفاکن ، برای اجتماع به مسجد رفته واز ورود سارا ن جا می مالکین به آنجا جلو - گیری می نمایند .

بقیه از صفحه ۱۴ زیرگاکهای خدا انقلاب... چگونه است که آب تظهير بر روی اومی ریزید؟ و با دخالت عمال سا سکا رژیم ساسی وسرما هها رتنس حاصل گسه بود. اکنون مینوا دوا سده راه وسر اصلی خود را راسا سدا ویا سده است . (حقیقت ، شماره ۴۷) . مادر ساره آینه مواضع "حقیقت" را در این دوره بیسترمورد رزیاسی قرا خوا هیم داد . ادا مدها رده .

ایران ما در سدتلکسی بدجس مانها تان مخا بسره گردید ویرا یاس آن بیبا نکهای ذینفع در مورد این وام مبلغ ۴۰۵۲۰۹۵۱ دلارو ۳۹ سنت (ملاحظه میکنند) این خائنین تا آخرین سنت را برداخت میکنند) در تاریخ ۱۵ نوامبر بعنوان بهره این وام برداخت شد. (۴) عجبا! هیئت خاکمه ای که ادعای ضد امپریالیستی بودن دارد حتی درست در سراطی که امپریالیستی آسکا را اموال ایران را سلوکه می - کنند (۵) تا آخرین دینا ر بهره های بانکی را که در واقع دسترنج توده های زحمتکش ما میسند به امپریالیستها برداخت میکنند و در همان حال ادعا میکنند مباحوا هدا ستنما رنایش از عمل بانکها را راسین بپردا اما چه عواملی ساعنت گشته است که هیئت خاکمه با ژست "خذف بهره بانکی" تبلیغات دا منه داری را بفتح تنسنت خودا سادمدهد؟ واقعبا سست که اقتصاد ایران امروز در بحران عطشی فرورفته است معاملات در بازار دا حلی بهر کود و حستنا کی رسیده است. پس ارسا مپهم ماه ، بسیاری از سرمایه های استقراضی سرمایه داران توسط آسان به خارج ار

کشور منتقل شده است. از طرف دیگر برداخت شدن درصد قابل ملاحظه ای از وامهای ممکن و... بعلت رگودا تقمادی وسکاری وکم شدن درآمد ها ، کم شدن اعتماد به سیستم بانکی که نمونه های آشکار آن خارج کردن ساسا سدا زها از بانکها وعدم اسفاده از چک واعبارات در معاملات بولی، مجموعا سبب گشته است که بسیاری از بانکها در خطر ورشکستگی قرار گرفتند. سراسا س هسن واعیبات است که هیئت خاکمه سگمک سرمایه داران بوری ومتوسط شتافندنا کام کردن برخ بهره ووا موا اعتبارات بانکها که عمدتا در احتیاب رهسین سرمایه داران قرار میگیرد، به تنسب موعسبت آسان یاری رسا سدور کود وسحران اصمادی

را با جلب توجه دادن به سرمایه گذاری داخلی از بین ببرد. در عین حال با سستی به ما هیت بورژواشی چنین رسمی توجه داشته ایم. آنچه را که دولت با زرگان در موردنا نکها انجام داد، در حقیقت حتی خصوصیات یک رزم بورژواشی را هم نداشت. در حالیکه بحران اقتصادی اسفا دگسترده تری سافتهاست هیئت خاکمه در رابطه با خروج ارایین بحران کننا بودی خود را در گرو سدد سشترا ن مسبتناست که دست به ارائه راه حلها شای این چنین میزند. واقعبا اینست که سسستم بانکی وبلا طبع بهره بانکی یکی از خصوصیات لاینفک نظام سرمایه داری است. حال که هیئت خاکمه در محترم سمردن "مالکیت خصوصی" بوق و کرنا سرمدهد و در حفظ "سرمایه های خصوصی" وعدم مضاد به سرمایه های وابسته و امپریالیستی ساسی متفرد ، ساسنی نه این سشوال ساقب دهده که ما به اتفاق ۸ درصد "پاداسی" که به ساسا سداها برداخت مسودو ۴ درصد بهره بانکی که ارامها و اعتبارات صنعتی، مسکن و... گرفته میسود از کجا ساسنی میسود؟ مگر عسرا زاسبت که در چنین حالتی هیچ بانکی قادر به ادا معالبت نخواهد بود و ادا معالمت بانکها مشروط به اسن خواهد بود که سکی سمدوده دولت ساسد، در آن صورت اسن سول ساسنی از خزانه دولت و در واقع اربولید ملی ، مالیات اربحسکان و... جزا ن سود؟ سوده اسن همدا نکهای کوچک و بزرگ نا آن سوروگراسی عظیم وسکاران ارکنا ساسن خوا هدمگر عسرا زاسبت که اردآمد ملی صرف سود؟



(۴) - متن اطلاعیه بانک مرکزی ایران .
(۵) - طبق آمار خزانه داری آمریکا مجموعه دارائی های سلوکه شده ایران که شامل دختا رسمی ایران در بانکهای آمریکا شای حد در داخل و حد در خارج آن کشور وهجنس ساردا رایشها میسند اسال سسر ۵ سلسبارد دلار منکرده . ساسکیای آمریکا شای در حدود ۲ میلییارد دلار به ایران وام داده اند .

زیگراکهای ضد انقلاب و انعکاس یک جانبه آن در صف انقلاب (۴)

امیرالیستی خلقیای ایران وارد سومین دوره از حیات سیاسی خود میشود. ما برای رومن شدن بیشتر مطلب مواضع "حقیقت" را در دو مرحله از این دوره که ویژگی مرحله اول، تهاجم استراتژیک رژیم به دستاوردهای انقلاب ایران و مبارزات حق طلبانه خلقها، بویژه خلق کرد و خصلت مرحله دوم، آغاز عقب نشینی رژیم و تعویض تاکتیک آن از تهاجم به عقب نشینی است، مورد بررسی مختصر قرار می دهیم

"حقیقت" و مرحله اول از دوره سوم:

در این دوره و پس از یکپارچه شدن دو ارگان قدرت سیاسی در یکدیگر، هیئت حاکمه جدید از فرسودگی صفوف خود برای آغاز یک یورش سبعا نه به جنبش انقلابی ایران و بخصوص جنبش انقلابی خلق کرد، استفا ده می نماید. در این دوره که تا شکست شیوه سرکوب ضد انقلاب و عقب نشینی آن از مواضع پیشین و پیروزی مرحله ای سیاسی - نظامی خلق کرد و دیگر بخشهای جنبش انقلابی ایران ادامه میابد، رژیم چهره دژم کرده ای دارد و پیوسته فرماتهای جدیدی علیه جنبش انقلابی ایران صادر می کند تا بلکه بتوا نند در پس آنها "تظم" دلخواه خویش را برقرار سازد.

این تهاجم به دستاوردهای انقلاب، فضای سیاسی ایران را بخصوص در چشم آن نیروها شبکه خوشحیالانه دل به "نیات حسنه" نیروهای سیاسی حاکم بسته بودند، تیره و تار می نماید و شرایطی را فراهم میآورد که جای هیچگونه "تائید" و "حمایتی" از هیئت حاکمه را از طرف این نیروها باقی نمی گذارد. حتی رویزیونیستهای حزب توده نیز که در "پشتیبانی" از رژیم "ملی" جدید، گوی سبقت را از خود این نیروها ربوده بودند، با یک گام عقب نشینی به گوشه عزلت و سکوت می خزند و گاه و بیگاه هنوز موضع اپوزیسیون می گیرند.

حرکت جدید ضد انقلاب در این دوره، یعنی تاکتیک سرکوب و تهاجم، انعکاس خود را در صف انقلاب باقی می گذارد و تمام نیروهای انقلابی و کمونیست را با اختلافاتی که بیش محسوس به آنها ذیک موضع فعال و انقلابی در برابر ضد انقلاب می کشاند.

"حقیقت" در این دوره، به تبعیت از یک دیدگاه پراگماتیستی، از سیستم فکری گذشته خود در تحلیل آرایش طبقاتی نیروها، اندکی فاصله گرفته و بر راستای یک موضع مجموعاً انقلابی و صحیح در برخورد به قدرت سیاسی قرار میگیرد و حتی تا آنجا به پیش می رود که آنجا و بنا و آنجا و گاه و بیگاه از اطلاق ارتجاع و ضد انقلاب به رژیم ایران غافل نمی شود. "حقیقت" در این دوره چنین می گوید:

"آیت الله خمینی و محافل و گروههای که در کف حمایت او قرار گرفته - اسد در حالیکه هر روز تخفیف بیشتری برای دشمنان واقعی انقلاب ایران و عمال و همداستان رژیم سابق قائل میشوند، لبه تیز حمله خود را متوجه درون انقلاب می سازند و گاه تروخک را با هم می سوزانند و به دادخواهی و فریاد اعتراضی اعدای خود گوش فرامی دهد. آنان هر چه کنترلشان سربیت اعمال مردم بیشتر میشود و قدرت و حشمت بیشتری کسب می کنند، گوششان سگین ترمیگردد و صورت یک جریان معین ارض مردم جدا می شود" (تاکید از ما ست - حقیقت شماره ۳۸)

"حقیقت" این نیروئی را که "صورت یک جریان معین از صف مردم جدا میشوند" (و اگر بخوایم به زبان صریح سیاسی ترجمه کنیم، "صورت یک جریان معین به صف ضد انقلاب می پیوندد") "روحانیت"، به رهبری آیت الله خمینی می داند که به مثابه "یک جریان بنیاد ارتجاعی"، "علیه انقلاب ایران" یا غی شده است ("حقیقت" ۳۷، مقاله انقلاب در خطر است، تاکید از ما ست). "حقیقت" در توصیف بیشتر این جریان و بایده اجتماعی آن در این دوره، در همان مقاله چنین می نویسد:

"راهپیمائی "وحدت" و اداه متظاهرات حسباتی از مردم به حمایت از شعارهای دویلهوی محافل حاکم در قم و تهران، گروه رهبری کسبه روحانیت و سخن آیت الله خمینی را به معام و موقعیت خود عه کرده و با دیدن طواهر مرگمان می کنند که اوضاع در مجموع به کام آنان سر می کشد. در حالیکه با نگاه اجماعی آنان محدود شده، در ترکیب طبقاتی سرعای "گوس سرعان" آنها تعبیر حاصل شده و هر چه بیشتر به

دوره سوم (۱) و جایگاه حقیقت در آن:

"اتحادیه" (بخش خارج) در این دوره که مقارن با حاد شدن زبج دیگر سیاسی "اتحاد انقلابی برای رهائی کار" است، در برخورد به قدرت سیاسی از موضع انقلابی و صحیح تری نسبت به گذشته برخوردار است. در این دوره رفقای "اتحادیه" از یک زاویه پراگماتیستی، از تز نیمه مئودال - نیمه مستعمره فاصله میگیرند و بر روی آن پای سنی فشرند و حرکت این نیرو در این دوره این امید را برمی انگیزد که آنها در جهت قبول نزرما به داری و وابسته حرکت می کنند. مواضع سیاسی این نیرو در برخورد به قدرت حاکمه نیز به این "مید" "دامن می زند. در برخورد "اتحاد" نتقادی "به گذشته خود نیز این نیرو حرکتی را آغاز می کند که در سطح باقی می ماند و توقف این حرکت نشان میدهد که این حرکت انتقادی پیش از آنکه بر مبنای یک درک عمیق و همه جانبه از انحرافات گذشته شکل گرفته باشد، به نسبت از فشار ریائی - شوه ای و شرایط موجود صورت می گیرد. اما از آنجا که این "انتقادات" از موضع درک و برخورد واقعی با انحرافات گذشته صورت گرفته بود و نه آن فاصله گیری از تز نیمه مستعمره - نیمه مئودال بر پایه یک تحلیل صحیح و همه جانبه از موقعیت کنونی جامعه ایران و مرز بندی با درک دکمابستی و قریب به سه ده سال گذشته ترا ردا شد و در یک کلام از آنجا که یک مرز بندی همه جانبه سیستم فکری و عملگردهای گذشته صورت نگرفته بود، در دوره سوم، این تفکرات مجدداً زمینه رشد و عملگردها میبند. و در این دوره منحنی مواضع "حقیقت" بسوی همان تفکرات رویزیونیستی و دکمابستی گذشته نوسان پیدا می کند.

دوره سوم (۲) و جایگاه حقیقت در آن:

یکی از ویژگیهای جریانات رویزیونیستی (بویژه حزب توده) در جامعه ما، نحوه برخورد آنها به خرده بورژوازی است. بدین صورت که آنها لایه ها و قشرهای مختلف خرده بورژوازی (مرفه - میانی - فقیر) را در نظر نداشته و کلیت یکپارچه ای برای آنها قائل می شوند و از هم بیروبا عدم تما یز میان قشرهای مختلف این نیروی اجتماعی، نمی توانند جا یگا خرده بورژوازی مرفه سنتی را که از نظر اقتصادی، نزدیکی تنگاتنگی با بورژوازی متوسط دارد و شانه به شانه آن میساید (در جوامع نیمه - نیمه مئودال، این رابطه با بورژوازی ملی محسوس تر است و این فشر تما یل زیادی برای بیستن به بورژوازی ملی از خود بروز می دهد) و این خود زمینه مادی سمتگیری سیاسی و دنباله روی این قشر از بورژوازی لیبرال است. امری که در مبارزات یکسال و نیمه پیشین و بخصوص در مقطع قبا مویس از آن شاهدش بوده ایم.

بر همین اساس این دیدگاه نمی تواند مکان قرار گرفتن خرده بورژوازی مرفه سنتی را در موضع ضد انقلاب در یک مرحله مورد نظر قرار دهد و بر اساس اقیعات جامعه، این تحلیل را هم نماینده که خرده بورژوازی مرفه سنتی، خرده در دوران دوم دارای حرکتیای دمکراتیک و فدا میریالیستی بود، اما در دوره سوم به صف ضد انقلاب می پیوندد و بطور مقطعی و مرحله ای هرگونه حرکت فدا میریالیستی از او رخت برمی بندد. این دیدگاهها تا دیده نگاشتن همین واقعیت و ارزیابی رویزیونیستی از موقعیت خرده بورژوازی مرفه سنتی، برای این قشر در دوره سوم، نقش ضد میریالیستی قائل می شود. (البته رویزیونیستهای خائن توده ای با تکیه بر تر "راه رشد غیر سرمایه داری" معتقدند که حتی رهبری جنبش ضد میریالیستی بعد ده این قشر میباید شد).

"حقیقت" نیز در هیچ دورانی نمی تواند بد رستی جایگاه خرده بورژوازی مرفه سنتی را نشان دهد و در اکثر مواقع از خرده بورژوازی بطور عام صحبت میکند و به همین لحاظ نمی تواند از قدرت دوگانه و نقش هر یک از قدرتها در دوره دوم و استحاله و در هم آمیزی این قدرت دوگانه و پیوستن خرده بورژوازی مرفه سنتی به صف ضد انقلاب درک درستی را شده دهد.

"حقیقت" و دوره سوم (۳) انقلاب دمکراتیک

و ضد امپریالیستی ایران:

همچنانکه در ضمیمه بیگرا ۳۴ توضیح دادیم، پس از ادغام دو ارگان قدرت سیاسی، یعنی "شورای انقلاب" و "دولت موقت" و بوجود آمدن هیئت حاکمه ایران متشکل از جناحهای مختلف طبقاتی، مبارزات دمکراتیک و ضد

(۱) - منظور ما از زمان قیام تا تلفیق شورای انقلاب و دولت میباید شد، رجوع کنید به ضمیمه بیگرا ۳۴.

(۲) - منظور ما از زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت بیعداست که حال را نیز در بر میگیرد. رجوع کنید به ضمیمه بیگرا ۳۴.

(۳) - به ضمیمه بیگرا ۳۴ مراجعه کنید.

حسین "نبردی" است که فرید، ساحتها طرمخا لفتش با بر دخالش ارتش در آن مرحله کنار گذاشته میشود و جای او سرتیپ حسین ساکرا، این عنصر سرسپرده بسط امیرالایم، منصوب میگردد و اندکی بعد نیز "رباحی" اریست وزارت دفاع برداشته شده و مهره‌ای همچون چمران جلاد، به جای او گذاشته میشود.

جناح‌های خرده‌بورژوازی و بورژوازی هیئت حاکمه، بر سر یک "چیربوتوا" فوق می‌رسند و آن نفس‌تاجم به جنبش انقلابی ایران و دستاوردهای انقلاب است اگر اختلافی هم وجود دارد فقط سرسزمان شروع تهاجم است و نه چیز دیگر و چنین است که ساکرا، رئیس ستاد ارتش، فرمان "امام خمینی را برای فورا خواندن ارتش، نقطه عطفی در زندگی نوین ارتش مینماید که در آن روح جدیدی در کالبد نیروهای ارتشی دمیده شده است (نقل به معنی از گفته‌های ساکرا) مندرج در روزنامه‌های آن زمان) و متقابلاً با زرگان نخست وزیر محبوب آیت‌الله خمینی، بسا از اولین حمله گسترده ارتش به نیروهای مسلح خلق کرد "پنا تبریک و تشکر" برای ارتش می‌فرستد و از آنها بخاطر انجام "موفقیت آمیز" برنا مه‌ایشان تجلیل بعمل می‌آورد.

اما "حقیقت" همچنان نگاه از تمام تحلیلهای آنها در این دوره برمی‌آید، تمام مسائل را به "گروه روحانیون زورگو و مشروع طلب" و "فرمانهای آیت‌الله خمینی" که "انقلاب ایران را با خطر انداخته است" و "کاکاها ناگناه انقلاب ایران را به آشوب می‌کشد" (نقل قولها از حقیقت ۲۷) ختم میکنند و از آنجا فراتر نمی‌روند. به همین علت است که در طی این دوره برخوردهای "حقیقت" با "روحانیت مشروع طلب" از بورژوازی لیبرال و لیبرال‌های مرتجع شده که در این زمان ابزار اصلی قدرت را در دست گرفته بودند، پررنگ تر و "چپ‌تر است و در رهنمودهای خود، "وظیفه سنگین" انقلابیون و کمونیستها را "مقابله با گرایش فداکاری انقلابی" محافل حاکم درون روحانیت و همدستانان (؟) را که انقلاب را در سمت قهقرائی خود سوق داده "است تعیین میکنند (نقل قولها از حقیقت ۲۷) صرف نظر از این همچنان که گفتیم "حقیقت" به روحانیت همواره به مثابه یک "کیل برخوردی کند و قشر بندهای طبقاتی درون روحانیت را که حکایت از انکار سیاسی مواضع سیاسی طبقات گوناگون در این نهاد دارد، بنا دیده می‌انگارد. و بنا به یک برخورد آید آلیستی و غیر طبقاتی، از دیده‌ای بنا "دستگاه روحانیت" نام میبرد، "دستگاهی که بزم برخی نیروهای درون جنبش کمونیستی، که "حقیقت" نیز به نوعی از آن متاثر است، بیک "کاست حکومتی" را تشکیل میدهد که بر فراز سر طبقات اجتماعی، در کلیت خود دارای منافع معینی است، که جهت حرکت سیاسی آن را تعیین می‌کند:

"دولت سازشکار رومراجع قدرت، همچون دستگاه روحانیت، عملاً در مقابل خواستهای اساسی مردم قرار گرفته اند و برای اعمال قدرت و تحکیم خود در شرایطی که بحران اقتصادی - سیاسی می‌رود که شکل بسیار جدتری خود بگیرد، به بدترین شیوه‌های سرکوب متوسل شده اند. (حقیقت ۳۵) روحانیت هیچگاه نتوانسته است به مثابه یک "دستگاه" با منافع معینی "وحدت کلمه" خود را حفظ نموده و منافع را که ناشی از وجود یک سلسله روابط معین و مشترک درونی این نهاد است بر منافع طبقاتی گوناگون جناح‌های درونی آن، مسلط گرداند و دومی را تحت الشعاع اولی قرار دهد. این "دستگاه" همواره و به ویژه در دوران رشد انقلاب و اعتلای انقلابی، از هم گسیخته شده و نیروهای معین طبقاتی درون آن، هر یک بر راستای سیاسی مشخصی که در انطباق با منافع طبقاتی این یا آن نیروی اجتماعی بوده قرار گرفته است. در دوره کنونی نیز روحانیت به محلی برای تقاطع منافع اقشار و طبقات است و وسیعی که هر یک به اعتباری، در زیر چتر آن قرار گرفته اند، تبدیل شده است. اقشار مختلف خرده بورژوازی، واقشار مختلف بورژوازی (بورژوازی لیبرال و کمپرادور) و حتی بقایای فئودالیسم هر یک بشکلی نمایندگان درون روحانیت برای خود دست و پا کرده اند و متقابلاً هر کدام از جناح‌های درونی روحانیت، به مقتضای سمت گیری سیاسی خود، هر یک نمایندگان سیاسی نیروهای اجتماعی مختلفی را در درون "دستگاه روحانیت" تشکیل میدهند. این "کیل" تا همگونی هیچگاه نتوانسته است، بر راستای یک جریان طبقاتی واحد و بایک سمت سیاسی واحد حرکت نماید و در جا معروض اندام کند از همین روشن گفتن از "دستگاه روحانیت" بتوان یک پدیده سیاسی واحد، فقط مخدوش کردن مرزهای طبقاتی درون این نهاد و ضرورت موضعگیری متفاد و در برابر جناح‌های

آلب دست گروه‌های ملاک، محس عبت مانده بورژوازی، بوروکراسیهای قدیم و جدید و همچنین دارو دسته‌های اریستی که تحکیم مومعت خود را در جا معماحت گیری عملی این گروه از روحانیت منطبق می‌سند، تبدیل می‌سود. (تاکید از ما است - حقیقت شماره ۳۷).
نمایندگان "خرده بورژوازی سنتی" "فدا میریالیست و دمکرات" دبروز از دیده‌ها "حقیقت" در این دوره، تبدیل به، "آلت دست" و نمایندگان "گروه‌های ملاک" بخش عقب مانده بورژوازی، بوروکراتهای قدیم و جدید و دارو دسته‌های ارتشی "که همگی در صف فدا انقلاب جای دارند، می‌گردند و بدین ترتیب جای هیچگونه شبهه و تردیدی باقی نمی‌ماند که این "جریان معین" که البته از نظر "حقیقت" در ترکیب هیئت حاکمه نقش غالب را هم دارد و "بورژوازی ملی" مسلط است، به فدا انقلاب پیوسته است و خلعت "بغایت ارتجاعی" پیدا نموده است. البته "حقیقت" علیرغم اینکه در تحلیلهای خود نسبت به هیئت حاکمه در این دوره، از یک موضع مجموعاً انقلابی برخوردار است و آنرا "رتجاعی" می‌داند، همانطور که گفتا رتوق نشان می‌دهد، درک درستی از این ارتجاع و فدا انقلاب ندارد، و برای حل تناقض سیستم فکری خود، ناچار است که جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی در هیئت حاکمه را که دیگر به فدا انقلاب پیوسته است نمایندگان گروه‌های اجتماعی فوق الذکر قلمداد نماید، تا تناقض مواضع خود را حل کند. از همین روست که در تحلیلهای خود در این مورد به موضع "لیبرالیسم چپ" درمی‌غلطد، که مختصاً آن، برخورد به روحانیت به مثابه یک "کیل" مسلط دیدن آن (درواقع جناح خمینی) بر کل هیئت حاکمه و متوجه کردن بیشترین حملات خود به این نیرو نسبت به بورژوازی لیبرال و لیبرال‌های مرتجع شده است.

"فرمان" لشکرکشی آیت‌الله خمینی به کردستان و... در این دوره، برده - ای میشود تا "حقیقت" از توطئه‌ها و نقش اساسی بورژوازی مسلط بر هیئت حاکمه، در این تهاجم و تاشیرات بسزای آن در کشاندن خرده بورژوازی مرفه سنتی و نمایندگان آن به صف فدا انقلاب، برانگیختن غرابورژوازی آنها و سوءاستفاده از نفوذ مذهبی و اتوریته معنوی آنان در میان مردم، غافل بماند شمشیر آخته‌ای که رهبران خرده بورژوازی مرفه سنتی در هوائی چرخانند "حقیقت" را بر علیه "روحانیت" برمی‌انگیزاند و نمیی گذارد "حقیقت" این واقعت را ببیند که این شمشیر بورژوازی بدست او داده است و با هر ضربه‌ای که فرود می‌آید، این بورژوازی است که یک گام بجلومی نهد و مواضع خود را تحکیم می‌کند. "حقیقت" می‌گوید:

"لاکن خلق دلاور کردیم مردم آزاد بخواه ایران مرید این دستان را نچورده و دشمنان خود را حوسی نشان کرده اند و سماندگان مردم داغیده" "قارنه" نیز که برای دادخواهی به قم رفته اند، در خواهدیافت که در قم کسی به داد آنها خواهد رسید، زیرا مرکز این توطئه در آنجا است و فرمان کشتار خلقی دلاور کردها با ما در شده است" (حقیقت - شماره ۳۹ - تاکید از ما است)

"حقیقت" سرخ توطئه "کشتار" و کلاتهاجم به خلق کرد را به مثابه بخشی از تهاجم رژیم در مقیاس ایران که با توافق، همدستی و اشتراک مساعی کل جناح‌های هیئت حاکمه (بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی) صورت میگیرد، در قم و جناح خمینی می‌بیند. توطئه نه در قم و در میان روحانیت، بلکه در دولت و شورای انقلاب است که شکل گرفته و طرح ریزی میگردد، و کل هیئت حاکمه‌ای که صفوف خود را فشرده کرده و بورژوازی بر آن مسلط است، چنین "تهاجمی" را پی ریزی می‌کنند. خرده بورژوازی مرفه سنتی و نمایندگان آن همچون خمینی، تنها بخشی از این هیئت حاکمه است و آتیم بخش مغلوب و غیر مسلط آن. رهبران روحانی در اینجا جزا ده صاف کنی برای بورژوازی چپز دیگری نیستند. آنها نقش "خیشی" را به عهده می‌گیرند که "زمین" را برای بورژوازی شخم می‌زنند و حاکمیت آن را تثبیت می‌نمایند و البته بورژوازی نیز هدف و برنا مه‌ای جز ترسیم و تثبیت پایه‌های سرمایه‌داری وابسته و تسلط امیرالایم بنا اردونمی‌توانند داشته باشند.

"حقیقت" نمی‌بیند که در جریان کردستان، ارتش برای اولین بار بطور آشکار و گسترده‌ای وارد صحنه نبردمی‌گردد و پیش از آن در جهت زمینه سازی

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم



ریشه‌های بحران مسکن در ایران - ۵ -

"راه‌های" بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی در زمینه مسکن

نداریم دیگر به ما مراجعه نکنند. در پیرامون حدود ۵۰ هزار خانه و آبارمان حالی وجود دارد که سمنی آرتیها سیدماست است. اگر آنها را در اختیار ما قرار دهند، بلافاصله آنها را تکمیل و در اختیار مردم قرار خواهیم داد" (۶). خرده بورژوازی مرفه سنتی در کشور ما از لحاظ طبقاتی ارتباطی های نزدیکی با بورژوازی لیبرال دارد. این نزدیکی طبقاتی سبب می‌شود که در همین زمینه مسکن گاه علیرغم اینکه اختلافاتی میان آنها وجود می‌کند (منجمله بنیاد مسکن مطرح "دادن وام" از طرف دولت مخالف است و طرح "ایجاد بانک مسکن" را ارائه می‌دهد) در زمینه‌های دیگر شباهت داشته باشند. بعنوان مثال مهندس سفیان مدرس اعلام بنیاد مسکن در رادیو اعلام کرد که ساز و بفرش ها بیابند با ما همکاری کنند و این ساختمان هائی که انجام می‌دهند به قیمت عادلانه به ما بفروشند و ما یک سود عادلانه هم به آنها می‌دهیم و در مقابل زمین آنها، در جای دیگر ما به آنها زمین می‌دهیم که بروند و مجدداً در آنجا ساختمان سازند و باز به ما بفروشند. (۷) و آیت‌الله خسروانی در مورد اسکان دادن زاغه‌نشینان گفت "آنچه به ما گزارش دادند اینست که اغلب این زاغه‌نشینان، زاغه‌نشینان زاغه‌نشینان حقیقی نیستند، به من گزارش دادند که یک کسی خانه‌ای داشته و آنرا فروخته و رفته است در

بحالط مزارعه علیه مئودالیزم اعلامی بود، در زمینه مسکن شعار "ما جبا نهدن مردم" را مطرح می‌کرد، چیزی که در همان هنگام هم در یک جامعه سرمایه‌داری قادر به حل آن نبود زیرا که مروس نیروی کار توسط کارگران همان آنان را در معرض ورشکستگی، بیکاری، نوسان قیمت ها، بحران اقتصادی و... قرار می‌دهد. امروز بورژوازی لیبرال در کشور ما حتی قادر به دادن این شعار هم نیست چه رسد به حل آن. این را خلقهای ایران در طول ۹ ماه حاکمیت ضد خلقی دولت بازرگان تجربه کردند و به عینت دیدند که بورژوازی لیبرال در زمینه مسکن هم راهی را پیش گرفته است که بورژوازی وابسته قبلاً در آن گام نهاده بود.

و اما "راه‌حلی" که بورژوازی مرفه سنتی برای مسکن یافت چه بود؟ همداختار ورنجالی که "بنیاد مسکن مستضعفین" بر سر "خانه‌دار کردن" مردم به راه انداخت آگاه هستیم. خرده بورژوازی سهم در قدرت بدون اینکه بخواهد دست به تغییر ساخت جامعه بزند (مبادا! مالکیت مشروع صدمه ببیند) شروع به جمع‌آوری اعانه با زور از زحمتکشان کرد یاد آن روز هائی که توده‌های خلق آخرین اندوخته‌های خود را تحت تاثیر "وعده‌های امام"، دودستی تقدیم می‌کردند، از یاد نخواهیم برد. همچنین هیچ کارگری فرا موش نمی‌کند که چگونه با زور و از بالا حقوق یک روز کارگران را برای "خانه‌سازی" مصادره کردند. (در کشور ما گویا جریان‌ها برعکس شده بجای مصادره سرمایه، امبریا لیستها و سرمایه‌داران حقوق کارگران مصادره می‌شود) اکنون بعد از آنهمه سروصدا ها، "بنیاد مستضعفین" چه می‌کند و دیگر چه نقشه‌ای برای فریب مردم می‌کند؟ آنچه زمین و ساختمان که از دربار پهلوی به چنگ این بنیاد و نظائر آن افتاد، چه شد؟ واضح است که این نقشه‌ها با بانی ندارد و وابستگی اشکال جدیدتری حای اشکال سابق را بگیرد. "راه‌حلی" که اکنون این بنیاد در حال پیاده کردن آن است عبارت است از شناسایی منازل مسکونی خالی در تهران و آجاره دادن یا فروش آنها! (۴) و البته به قیمت عادلانه. (۵) بنیاد مسکن به سرپرستی آیت‌الله خسروانی به مسدود ۳۰ هزار نفر از مردمی که در این بنیاد داشتند نام کرده بودند قول "ما جبا نهدن" را داده بود پس از تق زدنهای فراوان به دولت و هنگامی که معلوم شد از این بنیاد کاری ساخته نیست، ثابت شد که بنیاد مسکن به سرپرستی آیت‌الله خسروانی که گفت: "من از تمام مستضعفینی که نام سوسی کرده‌اند، می‌خواهم در مورد اختصارات بنیاد تحقیق و بررسی کنند و هنگامیکه متوجه شدند که ما احتیاجان اختصار

استقرار "جمهوری اسلامی" و سفدرت رسد بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی و شریک شدن آنها در اداره سرمایه‌داری وابسته ایران، بدون شک سواستی را در رابطه با این معضل مهم اجتماعی یعنی مسکن برای زحمتکشان مطرح می‌سازد. سوال می‌شود که بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی چه راه‌حلی هائی برای مسکن جستجو می‌کنند. "راه‌حل" هائی که بورژوازی لیبرال برای مسکن در مدت ۹ ماه حکومتش ارائه داد در واقع همان "راه‌حل" هائی بود که در زمان رژیم شاه از سوی همان مقامات حکومتی داده می‌شد، یکی از این اقدامات پرداخت وام مسکن به خریداران بود (همان "راه‌حل" بخوان استثماری جدیدتری - که قبلاً نیز رژیم شاه به آن عمل می‌کرد) میزان وام در نظر گرفته شده ۱۸۰ میلیارد ریال است. (۱۱) حداکثر وامی که به متقاضیان داده می‌شود ۳۰۰ هزار تومان است که بهره و کارمزد آن ۹٪ است و مدت بازپرداخت آن نیز ۱۰ تا ۱۲ سال است که بعداً این مدت به ۱۵ سال افزایش یافت.

نتیجه این وام دادن ها همان چیزی بود که قبلاً هم اتفاق می‌افتاد: به محض اینکه اعلام شد بانک وام مسکن می‌دهد بلافاصله به قیمت خانه‌ها بین ۲۰ الی ۴۰ هزار تومان اضافه شد. (۲) هیچ شعبی ندارد در حالیکه این مسئله چون روز روشن است با هم مقامات دولتی سابق می‌گفتند "پرداخت وام بانک ملی نه تنها باعث افزایش قیمت خانه‌ها نمی‌شود (!!) بلکه منجر به ایجاد رقابت و در نتیجه شکستن قیمتها و رونق اقتصادی می‌شود" (۳) پرداخت وام به ساز و بفرش هائی در راس برنه‌های دولت سابق در زمینه "حل" مسئله مسکن بود. بر این اساس، بانک ملی ۴۵ میلیارد ریال و سپس بانک رهتی شروع به پرداخت وام برای سازندگان واحدهای مسکونی کمتر از ۱۰۰ واحد کردند. همانطور که مشاهده می‌شود - بورژوازی لیبرال در واقع چیزی بجز آنچه که بورژوازی وابسته تاکنون در زمینه مسکن ارائه کرده است، در حقیقت ندارد. همان روشهای را که بورژوازی وابسته سالها بکاربرد و معضل مسکن را به این درجه از جدت خود رساند، اکنون بورژوازی لیبرال نیز در حال امتحان کردن همان روشهاست. این خطت بورژوازی لیبرال در زمینه‌های اقتصادی است. یک قرن و نیم پیش سرمایه‌داری کلاسیک اروپا. در هنگامیکه هنوز

(۱) - کبیان ۱۷ خیر ۵۸

(۲) - کبیان ۲۲ مرداد ۵۸

(۳) - اظهارات وزیر مسکن، کبیان ۸ آبان ۵۸

(۴) - کبیان ۲۲ مرداد ۵۸

(۵) - "در حال حاضر طبق آماري که من در امر حدود ۱۳۰ هزار خانه خالی در تهران و اطراف آن هست که ما پیدا همگاری دولت و خریداری عادلانه آنها این خانه‌های خالی در اختیار مردم قرار بگیرد ما بدین وسیله به مشکل مسکن خاتمه داده شود. برای تعیین قیمت مهندسين بنیاد خانه‌ها را به قیمت روز عادلانه ارزیابی کرده و ما با تمایل ما حیا ن آنها خواهم خرید و به مردم خواهیم داد. در این مورد مردم همه با یکدیگر گفتند خصوصاً افراد متعین. این درست نیست که یکی دهها خانه و وسلا داشته باشد و کسی سرسنا نداشته باشد. مستضعفین ما بدسر داده شده‌اند و بنیاد مسکن ما درت به نص زمین و با خانه‌کسی کرد در این مورد از راه قانون و عدل اسلامی اقدام خواهیم کرد. بنیاد مسکن در هر شهر آنها را که زمین دارد و با حیا حیا دل آنها خریدارند بنیاد مسکن با سند که کسی زمین آنها را نص نخواهد کرد." (مباحثه آیت‌الله خسروانی، کبیان ۱۹ مهر ۵۸)

(۶) - کبیان ۱ مهر ۵۸

(۷) - کبیان ۱۶ خیر ۵۸

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

زحمتکشان مسکن میخواهند، ارتجاع آنها را به خراب کردن آلودگ هایشان تهدید میکند

ا اهالی و ساکنین و سادس و سدختی و ملاکت شروع به ساخنن آنها کردیم، نمودند و دولت و شورای انقلاب و کمیته هانته آنها اقدامی در مقابل این عده از زحمتکشان و بی بضاعت و مستضعفین واقعی که با امیدتحقق یافتن حداقل شرایط زندگی در انقلاب شکوهمند اسلامی شرکت نموده و خون داده ایم ننخوده، بلکه متاسفانه در روزنامه اطلاعات دوشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ مشاهده کردیم که دولت و شورای انقلاب و شهرداری و سازمان مسکن مستضعفین تلویحاً اعلام نموده بودند که بدست از اقدام به ساختن غیر مجاز جلوگیری خواهند نمود، در این شرایط این سوال برای ما اهالی این منطقه مطرح است و توقع داریم که شما صریحاً به آن جواب بگوئید. آیا مگر انقلاب اسلامی و شکوهمند ما بر علیه هرگونه تبعیض و ظلم و زمینخواران و بطور کلی بر علیه مستکبرین نبوده است؟؟ آیا مگر شهرداری فعلی و مقامات مسئول خاطر، جنابات و اعمال بیشترانه و غیر مجاز انسانی شهرداری سابق زمان طاغوت (نیک بی خائن) یادشان رفته که خانه را بربروی ساکنان بدبخت جنوب شهر تهران ویران نمود و حتی بیشتر اهالی زیر آوار مانده و باقی معترضین را مورد شکنجه و قتل وزندانی نموده، آیا اینگونه عکس العمل مقامات مسئول فعلی و تصمیمات شهرداری و بنیاد مسکن مستضعفین و سازمان مسکن و شهرسازی، انسان را بیاد اعمال طاغوتیان نمی اندازد؟ آیا فقط در حرف انقلاب کردیم نه در عمل؟؟ آیا بعد از دادن اینهمه شهید و تحمل بدبختیها و زجرها و شکنجه ها باز هم ما مستضعفین از داشتن ابتدائی ترین حقوق انسانی (یعنی داشتن مسکن) محروم با یدباشیم؟ بقیه در صفحه ۱۹

آنچه در زیر می خوانید نامه اهالی منطقه کاظم آباد و مبارک آباد (تهران) است این نامه نیز به هیچ شرحی ندارد زیرا که خودسندی گویاست از عملکردهای ارتجاعی هیئت خاکمه و نشان می دهد که چگونه حاکمان سرمایه داری و امبریا لیس همان راه "نیک بی" معدوم را در بر خورد به زحمتکشان خارج محدوده می روند.

بسم الله الرحمن الرحيم
۵۸/۹/۱۴
ریاست محترم سازمان مسکن مستضعفین
محترماً معروض می دارد ما اهالی کاظم آباد و مبارک آباد (واقع در غرب مجیدیه میدان سرباز پشت کارخانه کالباس سازی میکا ثلیان) که از روی مجبوری و نداشتن مسکن و فقر مالی بیش از حد و مخارج خانوادگی روی زمینهای که حدود چند هکتار زمین با بیرو بلا استفاد (که در گذشته آشغال ریز شهرداری بوده است) اقدام به ساختن سربناهی برای خود و زن و بچه ها میمان نمودیم، اما از زمان شروع بکار مدام مورد مزاحمت و اشکال تراشی از طرف عناصر مسئول و غیر مسئول مواجه شدیم.

که هر روز کسانی بعنوان صاحب زمین (با مدارک تقلبی و جورواجور) و زمانی بعنوان دیگر مورد مزاحمت و اخلال خود و خانواده ها میمان گشتند بعنوان مثال حدود یک هکتار قبل عده ای با مستمسک قرار دادن داشتن سند با چند ژاندارم مراجعه کرده و اقدام به اعراب و تهدید و مضروب کردن مستضعفین این منطقه نموده و از ساختن خانه های نیمه تمام جلوگیری نمودند و وقتی با مقام اهالی روبرو شدند بعد از توهین و آوردن افرادی از کمیته تهدید به شلیک گلوله و نیز زندانی کردن و آوردن بولدوزر برای خراب کردن آلودگ های که با هزار زحمت

اطراف حضرت عبدالعظیم یک جا در زده و آنجا نشسته است. برای این قیسل انخاص نیاید هیچ طرح کرد. اینها سو دجو هستند و اگر زمستان هم زیر برف و باران بمانند جزای عمل خودشان است به ما مربوط نیست. (۸) (تاکید از ما ست)

هنگامیکه پس از گذشت ماهها ما هیت شعارهای خرده بورژوازی مرفه سنتی در زمینه مسکن برای توده ها افشا گردید و توده ها در تجربه روزمره خود دیدند که خرده بورژوازی هم چندان چیزی در جنته ندارد، شاه آتیم که با فرو ریختن این توهمات توده ها به حرکات انقلابی برای حل مسئله مسکن روی می آوردند. فرار سیدن زمستان و مشکل مسکن یکی دیگر از عوامل این مسئله می باشد. ولی خرده بورژوازی در مقابل این حرکات انقلابی بشدت بیرحمانه عمل می کند. طی زد و خوردی در منطقه خاک سفید تهران پارس در اثر تیراندازی یکی از پاسداران دفتر خانه سازی مستضعفین ۵ نفر به ضرب گلوله مجروح شدند. علت زد و خورد مردم با پاسداران این بود که گروهی از مردم این منطقه زمین ها را میان خود تقسیم کرده و اقدام به بی کفنی کرده بودند (۹). کیهان ۵ آذر خبر می دهد که یک میلیون متر زمین موات و بایر شهری توسط مردم تصرف شد. همان روزنامه ۸ آذر خبر می دهد که ۸۰ خانوار فرهنگی یک ساختمان نوساز را در سید خندان تصرف کردند و این حرکات انقلابی و توده ای همچنان رو به اوج دارد.

با مسائلی که شرح داده شد، مسئله مسکن چگونه حل می شود؟ بیائید هسته اساسی تفکری را که در این مقاله مورد بررسی قرار دادیم خلاصه کنیم. عوامل اصلی بحران مسکن عبارتند از:

- ۱- مالکیت خصوصی بر زمین و در نتیجه در معرض خرید و فروش و احتکار قرار گرفتن آن توسط مثنی سرمایه دار و زمیندار وابسته.
 - ۲- دولت و موسسات بانکی وابسته به آن بعنوان دستگای برای تشدید بحران مسکن و سرکوب خلق و جلوگیری از خانه سازی زحمتکشان برای پائین نگاه داشتن عرضه مسکن، تصاحب زمین ها تحت عنوان ملی کردن و سپردن آنها به زمینداران و سرمایه داران بزرگ.
 - ۳- مکانیسم سیستم سرمایه داری وابسته در تشدید تضاد بین شهروده (در واقع همان مسئله ارضی) که سبب مهاجرت زحمتکشان روستا ها به شهرها و تشدید بحران مسکن می شود.
 - ۴- مالکیت خصوصی بر ساختمانها و مناسزل مسکونی.
- بدین ترتیب با توجه به عوامل کلیدی فوق راه حل نهائی و اساسی که کمونیستها برای حل مسئله مسکن پیش رو دارند حذف مالکیت بزرگ بر زمین و حل مسئله ارضی و از بین بردن تضاد بین شهرو دو در نهایت سلب مالکیت از دارندگان ساختمانها می باشد. فراموش نکنیم که در حال حاضر فقط ۱۰۰۰۰۰ واحد مسکونی خالی در تهران وجود دارد (بگذریم از آن ساختمان هایی که با حجم زیاد مقدار کمی مفت خور در آنها زندگی می کنند) که می توانند نیم میلیون نفر را بطور موقتی هم که شده از مسئله مسکن رها می بخشند.

توده های عظیم خلق! کارگران و زحمتکشان!

آپا رتمان های سربلک کشیده، هتلها ی عظیم، ساختمانهای بزرگ و مجلل و... از استعمار رنیسروی کار زحمتکشان حاصل شده است. از این جهت به آنها تعلق دارد! اینها همه به قیمت فقر و محرومیت کارگران و زحمتکشان بنا شده اند!

ما ما دره انقلابی آپا رتمانها و زمین های سرمایه داران بزرگ وابسته، گامی در جهت حل انقلابی بحران مسکن بردارید.

برای نیگیری در این اقدامات انقلابی، جلو گیری از هرج و مرج و سازماندهی و تشکل بخشیدن به مبارزات خود در این جهت، مقابله با مقامت های ضد انقلابی مالکین و هشت خاکمه و خنثی کسردن اقدامات تفرقه افکنانه آنها و جلوگیری از سوء استفاده فرصت طلبانی که بی نیاز از مسکن هستند کمیته هایی متشکل از نمایندگان واقعی خود تشکیل دهید. نیروهای انقلابی و آگاه! رزمندگان کمونیست! رفقا و هواداران!

در این اقدامات انقلابی توده ها فعالانه شرکت کنید، در تشکیل و هدایت کمیته ها نقش فعالی داشته باشید و به آن حرکات توده ای سمت آگاهانه ای بدهید. اقدامات ما را،

با آنچه که در باره "راه حل" های بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی گفتیم پرواضح است که حل بنیادی مسئله مسکن فقط می تواند بدست طبقه کارگر و در جمهوری دموکراتیک خلق انجام پذیرد. چنین دولتی با حذف مالکیت خصوصی بر ساختمانهای بزرگ و معنوع کردن ساختمان سازی توسط افراد اقدام به خانه سازی دولتی در سطح وسیع خواهد کرد و با اجاره بپا ئی بسیار نازل در اختیار توده های زحمتکش قرار خواهد داد که آن اجاره بپا هم بخاطر تعمیرات و ایجاد واحدهای جدید بکار خواهد رفت. معینا پیش رو گذاردن این شعارهای نهائی و اساسی به معنای آن نیست که ما در حال حاضر زحمتکشان را تشویق به انجام راه حل های موقتی نکنیم. کمونیستها با یتی ضمن بر شمردن ناتوانی این رژیم در پاسخگویی به حل مسئله مسکن و توضیح راه حل های بنیادی مسئله مسکن، با یتی زحمتکشان را بسوی راه حل های موقتی (نظیر اشغال واحدهای مسکونی خالی، خانه سازی در "خارج محدوده" و زمین های ملی شده، کاهش دادن اجاره بها، افزودن کمک هزینه مسکن نوسعه، مبارزات اقتصادی طبقه کارگر برای افزایش دستمزد و... رهنمون کنند. فراموش نکنیم که از درون همین مبارزات با خواستهای مشخص طبقاتی است که زحمتکشان به ما هیت واقعی رژیم آکا هی یافته و به قدرت متشکل و متحد خود آکا هی بسا می کنند.

(۸) - هما سجا
(۹) - کیهان سه شنبه ۱۷ مهر ۵۸

انقلاب اکتبر و تشکیل حزب کمونیست ایران

بیروزی بلشویک ها در انقلاب اکتبر و تشکیل اولین جمهوری سوسیالیستی در جهان، دریچه تازه ای بر روی سوسیال - دموکراسی ایران و مبارزان راه رها می میهن گشود. چنانکه روزنامه آذین به تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۲ می نویسد "حزب عدالت بطور کلی بلافاصله بعد از سقوط تزار شروع بکار کرد و هدف آن این بود که "یک دولت مقتدر ملی دموکراسی در ایران تشکیل دهد و برای این کار می خواست "از روی تشکلات صحیح و از روی نظم و اساس پیش برود" چرا که "فهمیده بود که از مشروطه روسای عشا پیر، اربابان بزرگ، آخوندهای متنفذ و اشراف و اشراف زادگان برای تأمین آمال ملت شعری بدست نخواهد آمد". اولین کنگره حزب کمونیست ایران بتاريخ ۵ - ۳ خرداد ۱۳۲۹ در انزلی تشکیل و رفیق سلط نژاد به دبیر اولی آن انتخاب گردید. برنا هم مصوب کنگره اول که در تنظیم آن رفیق سلط نژاد نقش تعیین کننده ای داشته است در تحلیل از خلقت انقلاب ایران و تضاد دل و توازن نیروها و دچار چرخ روی شده و تحلیل تاریخی را ارائه میدهد.



گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدرخان عمواوغلی (قسمت آخر)

حیدرخان در تبریز

رشد انقلاب، مقاومت خدا انقلاب را نیز بهمراه داشت. امپریالیسم روس و انگلیس سال ۱۳۲۶ ایران را به مناطق نفوذ تقسیم میکنند و شمال و جنوب به مدخلات نظامی علیه انقلاب دست می یازند. ارتجاع داخلی براهی در درون کشور سربلندی کند. و در این حال جمعیت های مجاهدین بدلیل ضعف رهبری از درون می پوسند و ارگان سازش با ارتجاع و خدا انقلاب می گردند. در این شرایط تنها جمعیت مجاهدین تبریز با رهبری مرکز غیبی و در رأس آن حیدرخان و علی مسبو و... هست که مصرا نه بر روی خواسته های توده ها پا فشاری می کند و با بسیج و آموزش نظامی و سیاسی توده ها، ارتش خلقی مسلح تشکیل میدهد و در برابر ارتجاع داخلی و تجاوزات امپریالیسم روس ایستادگی نموده و قهرمانی ها میکند. تبریز کاخون انقلاب گشته و ایده های انقلابی از آنجا ست که در سراسر ایران پراکنده می گردد.

و بهمین جهت است که امپریالیسم انگلیس و ارتجاع داخلی تاب تحمل نیاورده و در فروردین ۱۳۲۸ تبریز را محاصره نظامی می کند. سوسیال - دموکرات های ایران با انتشار بیان نامه زیر در تبریز به مقابله با یورش خدا انقلاب می پردازند: "... مسلح شوید، مسلح شوید! امروز دیگر امیدی نمانده است، راهی نمانده است، مگر از طریق سلاح ها یمان! ... به پیش، مسلح شوید! در راه دفاع از حقوق و دفاع از شرف خویش گام مبردا ریم! ... زنده باد ملت! مرگ بردولت جبار! زنده باد مشروطیت! مرگ بر استبداد!"

ارزوی انقلاب علیرغم مقاومت مسلحانه قهرمانان نه نمی توانند بر برابر ارتش تزار - ارتجاع داخلی مقاومت کنند و خدا انقلاب شهر را تسخیر نموده و دست به غارت و کشتار بربرحمانه می زند. با سقوط تبریز انقلاب مشروطه هسته ها نا و توانای رهبری کشته شده خود را از دست می دهد و همین امر نقش بسیار مهمی در حوادث آتی و اشغال صفوف انقلابیون مشروطه توسط رهبران سازشکار و نفوذی و به شکست کشاندن انقلاب علیرغم و جگری دوباره انقلاب و تسخیر تهران ایفاء می کند. و سرانجام کابری می رسد که ستارخان و باقرخان خلق سلاج می شوند. سوسیال - دموکرات های سرشناسی چون حیدرخان و دموکرات های انقلابی از قبیل خیابانی مجبور به مهاجرت می شوند و زمینه برای ترک تازی ارتجاع هر چه بیشتر فراهم می شود و انقلاب بدون یک سازمان رهبری کشته پیگیر دمسیری که در انتهای آن جز شکست چیزی دیگر نمی توانست باشد، فراموشی کرد.

تشتت و وجود دو خط مشی در صفوف سوسیال - دموکراسی

چنانکه زنانه "گروه سوسیال دموکرات های تبریز" به کاوش و تحقیق بتاریخ ۱۹۰۸ میلادی (۱۳۲۷) برمی آید،

بر سر خلعت جنبش های کشور دو نقطه نظر وجود دارد: موافق نقطه نظر اول، انقلاب ایران دارای هیچگونه مضمون مترقی نیست... و موافق نقطه نظر دوم... جنبش مترقی است زیرا علیه نظام فئودالی متوجه است... و همچنین چنانکه "پروتکل شماره یک نشست سوسیال - دموکرات های تبریز" نشان می دهد با اینکه اعضای این گروه جنبش را مترقی دانسته و شرکت در آنرا الزامی میدانند، ولی باز دو خط مشی در برابر هم قرار دارد. یک خط مشی معتقد به مرحله انقلاب سوسیالیستی بود و امرا بر سر زمان - دهی کارگران و تربیت سوسیالیستی آنان دارد و همین نظریه اکثریت آراء تصویب می شود. و این

"... با انهدام بورژوازی و امپریالیسم، بشریت چون مجموعه ای خواهد فهمید که در جهان خلق های مختلفی وجود ندارند، بلکه تنها یک خلق وجود دارد و سبب اساسی جنگ برای همیشه از میان خواهد رفت. استعمارگران سرمایه دار می کوشند کمونیسم را نابود کنند و میلیونها زحمتکش و کارگر را در انقیاد نگه دارند. قهر سرمایه داری نخواهد توانست نه این نظریه و نه نیروهای را که حامی آنانند، از میان بردارد. چنین تصویری باطل است."

(از نطق حیدرخان در کنگره خلق های خاور)

کنگره "وظایف مشخص دیکتاتور پرولتاریا را در ایران... انکشاف می دهد".

این برنا هم در شرایطی تصویب می شود که در گیلان جنبش توده ای برهبری دموکرات های مذهبی اوج گرفته و علیه استعمار امپریالیسم انگلیس مبارزه می کند. میرزا کوچک خان تحت تاثیر پیرام دسامبر ۱۹۱۷ که قرار دادهای تزارهای روس و خروج ارتش روس را به ایران نویسد ده آشکارا تمایل به جمهوری جوان شوروی پیدا کرده است.

حزب طبقه کارگر تنها در اتحاد با این نیروی دموکرات بود که می توانست انقلاب را پیش برده و به انتها رساند. در این شرایط تحلیل نا درست کنگره حزبی می توانست لطفاً جدی بر پیگیر جنبش وارد کند. پلنوم کمیته مرکزی تشکیل شده و بر مبنای نظرات حیدرخان که به خصوص در مقابل "پا به های اجتماع ایران" بیان شده و مصوبات کنگره انزلی را نا درست اعلام می کنند. حیدرخان به مقام دبیر اولی حزب انتخاب می شود و در ژوئن ۱۹۲۰ دستور العمل برای کمیته های حزب کمونیست ایران (عدالت) را صادر می کند که در آن از جمله اهداف حزب کمونیست "پسوستن به انقلاب سیاسی، جنگ علیه امپریالیسم استعماری انگلیس، سرنگون ساختن دولت کنونی و ایجاد دولتی جدید"، رقم زده شده است. کنگره دوم حزب که در ارومیه تشکیل شد برنا هم کمیته مرکزی جدید را مصوب نمود.

پس از این کار کمونیست های ایران به رهبری حیدرخان با تمام نیرو در جنبش گیلان شرکت کردند و جمهوری شوروی گیلان سما به اولین دستاورد های این پلانی بود. ارتش سرخ ایران تشکیل میشود و چنانکه رسام ارتش سرخ ایران به ارتش سرخ شوروی

در شرایطی است که گروهی دیگر از سوسیال - دموکرات ها مرکز غیبی را تشکیل داده و رهبری جنبش دموکراتیک و خدا امپریالیستی را در تبریز در دست دارند. احتمال قوی وجود دارد که بین دو گروه سوسیال - دموکرات از وجود یکدیگر بی اطلاع باشند ولی آنچه مسلم است تصویب کنندگان پروتکل نام - برده متمایل به خط مشی اپورتونیستی سوسیال - دموکراسی بوده اند و این امر را ارسال این پروتکل به "پلخانف" ثابت می کند. از مهمترین ضعف های سوسیال - دموکراسی این دوران تشتت در صفوف سوسیال - دموکراسی و عدم وجود یک مرا مانع واحد برای فرقه اجتماع - عامیون در سراسر ایران است. و همین امر که حکایت از عدم ارتباط مستحکم حزبی بین شعبه های اجتماع - عامیون حکایت می کند، مانع میگردد که مبارزه آید و تئوریک بر سر نقطه نظر های مختلف و دست یابی بیک نقطه نظر واحد در باره مسائل انقلاب بجز این بیفتد و در نتیجه حزب سوسیال - دموکرات هیچوقت نتوانست به صورت یک حزب سراسری عمل کند و نقطه نظر های مختلف و متضاد در کنار یکدیگر به حیات خود ادامه داد. و همین عدم استحکام حزبی سوسیال - دموکراسی باعث شد که گروه های حزبی در شهر های مختلف با هم وحدت عمل و ارتباط فشرده نداشته و حتی از وجود یکدیگر نیز بیخبر باشند. جریان سوسیال - دموکراسی تبریز دلیل با رزاین واقعیت است. در این میان تنها اجتماع - عامیون با کوشش و جدود می توانست نقش کمیته مرکزی حزب اجتماع - عامیون را ایفاء کند و با تبریز - تهران و مشهد ارتباطی هر چند ضعیف برقرار کند. حوزه خصوصی حیدرخان سه دستور حزب سوسیال - دموکرات روسیه با هم - کمیته مرکزی ارتباط داشت و تحت سرانجام آن کار میکرد.

بقیه از صفحه ۳

طرح شورای ...

محدودیت بسیار برای فعالیت سازمانهای سیاسی، ایجاد دسته‌های ترو و آموزش افراد مزدور برای حمله به کتا بفروشیها، تظاهرات، مستبکیها و ... حمله به کردستان و کشتار خلق کرد، حمله به ترکمن صحرا، کشتار خلق عرب، بکارگماردن عناصر مزدور و ساواکی و سیاژی در راه مصداق دولتی، عدم افسا و لغت قرار دادهای اسارت و اروپا کشورهای امپریالیستی و مخصوصاً آمریکا، خرید تسلیحات ارتشی جدید از آمریکا برای سرکوب خلقهای ما، تصویب قانون اساسی ضد آزادی و ضد مردمی، کشتار کارگران، سرهم زدن تشکیلات واقعی آنان و ... از جمله این اقدامات است.

حالا، همین رژیم تحت فشار توده‌ها، و مبارزات گسترده ضد امپریالیستی آنان و برای آزادیخواه نشان دادن خود، اقدام مهمی در مسخره‌های برای تدوین قانون، کار نموده است! چونگی تصویب قانون اساسی، را دیدیم و محتوای آنرا همه بخوسی شناخته‌ایم، مکن اگر رژیم برای تصویب قانون اساسی به قدم‌مکراتیک ترین وجهی فقط ۲۲ تن "خیره" را انتخاب می‌کند، در اینجا تحت فشار توده‌ها برای تصویب قانون کار، به ما نور مسخره‌ای تحت عنوان "نظرخواهی" از کارگران می‌برد!

کدام کار خردگانه‌ای است که ندانند این سیوه نظرخواهی، فقط گول زدن کارگران است! کبست که ندانند برای نظرخواهی واقعی بطور جداگانه از هر کارگر نظرخواهی کردن، فقط خیمه شب بازی است و بیس، رژیم برای زدن ماسک آزادیخواهی بصورت ضد مکرراتیک خود، اقدام به "نظرخواهی" کرده است! لیکن همین عمل ما هیت واقعی وی را نشان میدهد.

همانطور که برای تصویب قانون اساسی، حتی به نفع نماینده واقعی کارگران حضور نداشت و قانون اساسی توسط سرمایه‌دارانی چون نهشتی‌ها مقدم‌مراغای‌ها و آخوندهای وابسته به سرمایه‌دارها و زمین‌دارهای بزرگ نظیر مولوی عبدالعزیز ماینده‌ها (دان) شیخ کریمی، (که این دوا ز سر سیرد -

بآن رژیم شاه نیز هستند) و بالاخره اکثریت آخوندهای دنباله‌رو این سرمایه‌داران که مالکیت بزرگ را مشروع می‌دانند، تدوین و تصویب گشت و دیدیم که دارای چه مایه‌هایی است، قانون کار واقعی هم نمی‌تواند توسط سرمایه‌داران، وابستگان آنها و خیا ننگاران به خلق تصویب شود. رژیم فعلی نه میخواهد و نمیتواند قانون کار انقلابی را تصویب کند. رژیمی که "حق اعتصاب" را که از ابتدایی ترین حقوق کارگران است، زیر پا می‌گذارد، و با هزاران تهدید، ارباب، فتوا و فریب آنان را از اعتصاب کردن بحرزمیدارد، نمیتواند قانون کار انقلابی تدوین و تصویب کند.

قانون کار انقلابی چیست و چگونه کارگران

به آن دست خواهند یافت

کارگران هنگامی به قانون کار انقلابی و مطابق با برنامه حداقل خود دست خواهند یافت که رژیم

جمهوری دموکراتیک خلق سرفرا رسد. در جمهوری دموکراتیک خلق، که بیرونی را رهبری انقلاب و دولت را بدست دارد، نه فقط استعمار بید محدود می‌شود، بلکه بتدریج زمینه "محو هرگونه استعمار رقیبها خواهد شد و چون طبقه کارگر و سرمایه‌داران، در این دولت و انقلاب قرار دارند، قادر خواهند بود این وظیفه تاریخی خود را به انجام رسانند. تا زمانیکه دولت در دست بیوز و بازی باشد، کارگران روی سعادت و رفاه را نخواهند دید.

طبقه کارگران انقلابی ترین، بیگترین و پیشرفته ترین طبقه "تاریخ است. کارگران خواهان محو بیابودی استعمار انسان از انسان، محو و بیابودی هرگونه ستم می‌باشند. کارگران خواهان سوسیالیسم اندوینا بیرون کشیدن طبقات استعمارگر و آن خواهند رسید. در مرحله جمهوری دموکراتیک خلق، برنامه حداقل بیرونی را اجرا می‌شود. این بیرونی که طبقه کارگر و سرمایه‌داران را زحمتکش خلق می‌بیرای آن مبارزه کرده‌اند خون دادند، عبارت است از: (۲)

۱- کلبه‌داری‌ها، اراضی و کارخانجات مععلق به دربار پهلوی و وابستگان آنها که طی سال ۵۰ سال حکومت سنگین پهلوی ساچپاول و غارت مردم بدست آورده‌اند، ملی شود. (۳)

۲- کلبه‌داری‌های موسسات مالی، صنعتی، کشاورزی، معدن، حمل و نقل و خدمات امپریالیستی و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم ملی شود.

۳- کلبه‌داری‌های ملی شده بانک و احاد و نظارت بر آن ارسوی شوراها و انقلابی کارمندان سرفرا رسد.

۴- صنعت نفت و صنایع وابسته آن، معادن، دوت قلیزات و حمل و نقل ملی شود.

۵- سرفرازی نظارت از طرف "شوراهای انقلابی کارگری" بر تولید و توزیع محصولات کارخانه و نظارت بر تدوین "قانون کار انقلابی"، تا مین شود.

۶- قانون کار در دوران رژیم پهلوی و سایر نمره‌های آن (قانون انضاطی و حرایم کار و ...) لغو گردد.

۷- کلبه‌داری‌ها، معادن، صنایع و نظارت بر آن ارسوی شوراها و انقلابی کارمندان سرفرا رسد.

۸- بنقل از کتاب "قانون کار انقلابی" از انتشارات "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر".

۹- واضح است که "ملی کردن" هم، نه به مفهوم "دولتی کردن" دارای‌ها و موسسات و ... بلکه بمعنی معادله "داری‌ها، اموال و موسسات و ... امپریالیستی و سرمایه‌داران و وابسته‌های توسط دولت انقلابی (که نماینده واقعی توده‌های مردم است) می‌باشد.

به کسان و اراضی مالکین و سرمایه‌داران بزرگ و حمله‌خاندان معور پهلوی و اطرافشان آنها صط و ملی شود. اس زمینها و اداره آنها به شورای انقلابی دهقانان، حب استماده کلبه دهقانان کم‌رمن و بی زمین واگذار گردد.

۱۰- هرگونه سهم ملی سراندا حه شده و حق حلقه‌دار معین سربوست حوس سربست شاحه شود.

۱۱- کلبه‌داری‌ها و وسایلات اداری اربابان، پلینس، زاندا ریزی و دستگاههای خاص سرباد حه سودا و ارس صلح خلق مرکب از رزمندگان مسلح توده‌ای و پرسنل واحدهای مبارز ارس که در انقلاب مسلحانه حلقه‌های ایران سرعنه رژیم سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم و ارس سرکوبگر آن سهم داشته‌اند، احاد شود.

۱۲- کلبه‌داری‌ها و اراضی و صنعتی آمریکا، انگلیسی و اسرائیلی را بران اخراج کردند.

۱۳- کلبه‌داری‌های اسارت و آورا امپریالیستی اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی که در دوران حکومت سنگین پهلوی به مردم ایران تحمیل شده‌اند، لغو گردد.

۱۴- آزادی‌ها، فیلم، مطوعات و احصاءات و حق اعتصاب و تشکیل احاد و جمعیت و احزاب سیاسی تا مین گردد.

۱۵- ...

۱۶- ...

حواستهای فوق، اساسی ترین حواستهای خلق ما در این انقلاب بوده که بدلیل موقف ما در این انقلاب در نیمه راه خود، به جوجه‌ساز شده‌اند. این حواست‌ها حیا استقرار نظام جمهوری دموکراتیک خلق که در آن بیرونی را رهبری انقلاب را در اختیار دارد، امکان پذیر خواهد بود. در حین نظامی، "قانون کار انقلابی" حری از درخواستهای کارگران را در این مرحله از انقلاب (که مجموعه آنرا در لابرومردم) در خود دارد.

"قانون کار انقلابی" حری از قانون اساسی "جمهوری دموکراتیک خلق" است که درخواستهای کارگران را در رمنه "کار و زندگی" روزمره‌شان تنظیم می‌نماید. اس قانون کار نشان میدهد که درخواستهای موری و عاجل کارگران در این مرحله از انقلاب چیست و کارگران در رمنه "درخواستهای صنعتی- اقتصادی حه وقتانی دارند.

۱۷- اراضی که "جمهوری دموکراتیک خلق" دمو-کراتیک بریس نوع حکومت در مرحله انقلاب دمو-کراتیک و صدام امپریالیستی است و تکیه بر کارگران، دهقانان و سایر طبقات و سایر طبقه داشته و رمنه سادوی استمنا سرمایه‌داران کارفرمای آورد، ارس رو "قانون کار انقلابی" که سرمایه‌ساز مع و سازهای کارگران در این مرحله از انقلاب تدوین یافته‌اند، در سوع خود دموکراتیک ترین قانون کار "سرمی‌باشد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

محور درخواستهای کارگران در قانون کار انقلابی عبارتند از:

- منحصن تمام آرادیهای ساسی برای کارگران
- آزادی بیان و عقیده، آزادی مستقل شدن، آزادی احزاب و بیطرفی و...
- ۴۰ ساعت کار در هفته، همراه با ۲ روز تعطیل در هفته.
- عدم اخراج کارگران، بپردن لیل و نخب هر سوابط.
- واگذاری مسکن سپر کارگران و رتیل آر آن سردا - خت کامل اجاره مسکن به کارگران.
- آزادی اعتصاب و یحمن.
- افزایش حداقل دستمزد به سراسر که کفایت زندگی یک خانواده ۵ نفری را سد و افزایش دستمزدها به میزان افزایش نوری و سه رندگی.
- تکمیل مرخصی در سال (با دستمزد) علاوه بر روزهای تعطیل رسمی کشور.
- یکسان کردن تعطیلات کارگری و کارمندی
- لغو اضافه کاری و شب کاری و افزایش میزان دستمزد و یقین کفایت که با ۴۰ ساعت کار در هفته حداقل هزینه زندگی یک خانواده ۵ نفری تامین شود.
- آزادی های سندیکا ئی و برسمیت شناختن حق نظارت و کنترل سندیکا ها و شوراهای برامردی رسید و تولید.
- ممنوع بودن هرگونه فشار و تعرض بر تسکینات کارگران و نمایندگان آنها
- لغو مجازات (مجازات بهرنحو)
- ایجاد باشگاههای فرهنگی، ورزشی و آموزشی ایجاد دکتا بخانه و سالیانه ای فیلم و نما یی
- ایجاد دبیمه های اجتماعی با کیفیت مناسب (بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی - حداقل ۵۰ سال برای مردان و ۵۰ سال برای زنان با حداقل ۲۵ سال سابقه کار - بیمه زکرافتادگی، و بیمه بیکاری و تضمین تامین کار)
- ادا رها سالیانه و تا سیات کارگران بدست خود کارگران.
- لغو حق بیمه و مالیات.
- پرداخت هزینه ازدواج و عا نکه مندی و ...
- تامین غذای مناسب و سرویس راحت
- تشکیل کمیته حل اختلاف با تعداد مساوی نمایندگان کارگران از یک طرف و کارفرما و دولت از طرف دیگر.
- انعقاد قراردادهای دسته جمعی.
- لغو کار رنجوانان کمتر از ۱۶ سال
- احتساب ساعت نهار و رورفت و آمدیه کارخانه به ساعات کار.
- تامین بهداشت و ایمنی محیط کار (حصار مناسب و کافیه و ایمنی و ...)
- تامین سرمایه اولیه شرکتها ی شغالی مصرف و اعتبار، متوسط دولت و کارفرما و بازگردانیدن سرمایه فعلی و تنای و نیا به کارگران.
- پرداخت دستمزد در تمام بستی شدن مطابق

روزی عادی کار و احصای برمان اسراحت کارگر - سحر - ساعات کار، کمکردن اسامساری کارکرار - ساعدها کارگر در زمان بارسنگی .

- عدم مداخله کلیه سروهای نظامی ارمسل - پلیس، زامداری، ارس و ساه سارا و غیره در مسائل کارگری .

- رسی شدن کلیه کارگران پیمایی - مایی جزئی زمان کارگر :

- بکار برکتس زمان کارگر برای کارهای سکی ،

- دادن ۴ ماهه مرخصی با اسفاده اردسمرد سوا ی زمان ساردا ر (۲ ماه قبل و ۲ ماه بعد از ایمان)، پرداخت کلیه محارج زایمان توسط کارفرما و دولت ،

- پرداخت دستمزد مساوی با مردان،

- تامین سیرخورا رگا و وسه کودک برای کودکان ،

- دادن فرصت مناسبه ما دران کارگر برای شیردادن به طفل ، هر سه ساعت سیم ساعت .

- استراحت ماهیانه ، ۳ روز در هر ماه

.....

لغوتما مقوانین ضد کارگری رژیم شاه :

- لغو قانون ضد کارگری " ۳۰۰ - تیسن نامه انضباطی " ،

- لغو قانون " گسترش مالکیت واحدهای صنعتی " ،

- لغو قانون سودویزه و پرداخت دستمزد مکفی بکارگران (و پرداخت باقیمانده دستمزد کارگران که به مناسبت وجود قانون سودویزه تا بحال پرداخت نشده است) ،

- لغو قانون طبقه بندی مشاغل

- لغو اضافه کاری

- لغو کارمزدی

- لغو ماده ۳۳ قانون کار ضد کارگری سابق مبتنی بر اخراج کارگران ،

مسلماً کارگران این شبهه را بخود راه نخواهند داد که هیئت حاکمه کنونی که طی همین مدت کوتاهی ما هیت فدا انقلابی خود را روشن ساخته است ، بتواند به درخواستهای انقلابی آنان جواب مساعد بدهد .

آنها با توجه به ما هیت طبقاتی دولت کنونی، توجه به اینکه چطور قدرت دولتی در دست بورژوازی لیبرال خبانت پیشه و قشر انحصاری طلب خرد بورژوازی و جناح های از بورژوازی وابسته متمرکز شده است ، هر گونه آنها منسبت به ما هیت هیئت حاکمه کنونی را به دور خواهد انداختند . اما مسلماً کارگران با چشمداشت به درخواستهای مطروحه فوق و با سرلوحه قرار دادن آن ، خواهند گوشید که جزء جزء آنرا از حقوق سرمایه داران بیرون بکشند . کارگران با شکل خود ، با سالا بردن آگاهی طبقاتی خود ، و ایجاد سازمانهای مبارزاتی واقعی خود ، سعی خواهند کرد که سرمایه داران را ولوبیک گام عقب نشینی و ادا رنما بسند . در این مورد نیز یعنی در باره قانون کاری که رژیم می خواهد تصویب برساند ، بنظر ما ناسبستی دست روی دست گذاشت ، با بستن نمایندگان سوراها و

سندیکا های واقعی - و در موسسات (و کارخانه های) که سورا و سندیکا ی واقعی وجود ندارد ، با اتحاد آن و سبب اصحاب نمایندگان ارس آنها - در کنار سدوس قانون کار و اصلاحات سربده سوند . این حداقل حق کارگران در سراط کسوتی و در ابس رمنه می باشد . کارگران آگاه ساسی برای رسدن به حسن حتی بکوسند ماساره کسود و لروم آساره کارگران بوضوح دهد . حسن ساسدکاسی که ارس بیس سوراها و سندیکا های واقعی سراسر است ، سته دلیل اسکه حمایت رفعا ی کارگران را سب سسر خود ارسدی سواسدویا سدر سراسر آسار سس قاسون کار هر چه بسبر سب مع کارگران سوسب سب گردد . این نمایندگان با بسی صورت جمعی و نه صورت تک به تک در کار رنیه و تدویس قانون سسار سربک سسند . مسلماً هسب حاکمه اکثر سراط آنها را سبول نخواهند کرد . ولی اجباراً به سیرخی آر آنها سسین خواهدها دواسن سنع کارگران است .

رفقای کارگر! جریان زندگی ساسر ساسر سارزه است ، در مسائل حق طلبی ساسر سار سار سار مفاومت می کنند ، توطئه میکنند ، ساسلحه و رندا و شکنجه متوسل می شوند ، متقابلاً کارگر ن صوف و متحد و بهم پیوسته خود را هر چه فسرده تر خواهند ساخت . سندیکا ها ، سوراها و حزب واحد طبقاتی خود را بوجود خواهند آورد ، لیکن نابودی قطعی سرمایه داری وابسته و رسیدن به برنام حداقل طبقه کارگر ممکن نمیشود مگر با تنگه برون ریا رهبری انقلاب دموکرا - سیک را بدست گرفته ، بی سازگشت آنرا به پیش ببرد . عقب نماندن سرمایه داران و متشکل کردن گامها م صوف طبقه کارگر در این جهت البته بسیار ضروری است . لیکن این هنوز فقط جزء کوچکی از پیمانها مبارزات کارگران را در بر می گیرد . ایجاد حزب طرا ز نویین طبقه کارگر ، رهبری و سسار نجام سسایدن انقلاب دموکراتیک و سوق دادن آن سمت انقلاب سوسیا - لیستی ، اینها ست وظایف اساسی برون ریا ی ما

گسترده تر بساد مبارزات برحق کارگران !

بیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر !

نا سوبیا سسستم سرمایه داری وابسته در ایران !

برقرار بساد جمهوری دموکراتیک خلق !

بقیه از صفحه ۱۶ زحمتکشان، مسکن ...

حال که سازمان مسکن مستضعفین خود نمی تواند خانه در اختیارمان بگذارد و ما خودمان با فقر مالی و قرض و با هزاران کسند با اینهمه تورم درجا مع و بالا بودن قیمت های مصالح ساختمانی از نان بخور و نمیر خود و خانواده هایمان کم کرده و اقدام به ساختن سربناهی (که در واقع سایدگفت آلونک) نموده ایم سزاوار اینگونه رفتار و عکس العمل طاغوتی هستیم؟ حال با توجه به موارد فوق ما اها لسی خواستار رسیدگی انقلابی به مشکل ما و ارسال یک نمائنده از جانب ما به محل میباشیم .

امدادات این خواسته های سرحق ما مورد توجه و عنایت مسئولین امر واقع گردد .

قبلاً از اقداماتی که مبدول خواهد فرمود سشکر می کنیم .

نان ، مسکن ، آزادی

بقیه از صفحه ۶ نمونه ای از ...

جمله کیهان و با مداد دهم نروز مرا جمع کرده و خیابان مربوط به سنندج را با آنچه که دروغ نامم جمعه سوری اسلامی و گردانندگان جنگ افروزش نوشته اند ، مقایسه کنند .

هما نظور که در بالا گفته شد خواست متحصنین سنندج از خواست عمومی خلق کرد جدا نبوده و حمایت بیدریغ دیگر شهرهای کردستان چه بصورت ارسال پیامهای پشتیبانی و چه بصورت راهپیمایی و تظاهرات بیاتنگران امر است . ما در اینجا بعلت کمی جانتنها بذکرنا میباید مدهندگان اکتفا می کنیم . خوانندگان ما خودی به کمیت این "عده معدود" خواهند برد .

- ۱- کارکنان اداره کل غله و سیلوی سنندج
 - ۲- کارکنان فرودگاه سنندج
 - ۳- کارکنان اداره کل مسکن و شهرسازی کردستان
 - ۴- کارکنان ادارات کل کشاورزی و تعاون امور روستاهای استان کردستان
 - ۵- کارکنان و کارمندان شرکت سپاه می عمیران منطقه غرب ایران
 - ۶- کارکنان دفتر تبریز نامه و بودجه استان کردستان
 - ۷- کارکنان شرکت نفت سنندج
 - ۸- کارکنان سازمان رادیو و تلویزیون مرکز سنندج
 - ۹- شورای معلمان منطقه دیواندره
 - ۱۰- مجمع عمومی دانشکده تربیت دبیر سنندج
 - ۱۱- کارگران شرکت نفت سنندج
 - ۱۲- کارکنان فارغ التحصیلان آزاد سنندج
 - ۱۳- شورای کارکنان سازمان تامین اجتماعی سنندج
- ضمناً سازمانها و گروههای سیاسی منطقه نیز طی پیامهایی پشتیبانی خود را از متحصنین سنندج اعلام خواهند کرد :
- ۱- هیئت نمایندگان خلق کرد
 - ۲- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (حوزه سنندج)
 - ۴- تشکیلات پیشمرگه های زحمتکش

بقیه از صفحه ۲۴

مانورهای شیادانه . . .

راس ارتش ضد خلقی قرار داد و این اطلاعیه بیگمان بوسیله او نوشته شده است ، توطئه ، عبا رتست از : "شکست امپریالیسم و صهیونیسم در حمله به مسجد الحرام و متدارک توطئه ای دیگر در حمله به مسجدی در سنندج" !! اما اینها که روشهای ارتش آریا مهری را ناشیانه تقلید میکنند حد اقل بخود اجازه دهند که تا به روزنا مه های هفته گذشته مرا جمع کنند و جریسان حمله به مسجد الحرام را از زبان یکی از نمایندگان عربستانی که در گرد همایی "جنبشهای آزادیبخش خلقهای جهان" شرکت کرده بود ، بشنوند ، چرا که او جریسان حمله را از جانب انقلابیون فد رژیم سعودی دانسته است ! و اما در اینجا "ستاد ارتش" همانند حزب جمهوری اسلامی که برای بهانه احواف کشیدن مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما از ابتدا میکوشید این حمله را از ناحیه صهیونیسم و امپریالیسم قلمداد کند ، تلاش میکند از این حمله نتایج بسیار مضحکی بگیرد .

حالا چرا امپریالیسم در کشور عربستان سعودی بر علیه رژیم مزدور خودش توطئه میکند ، اینرا دیگر باید از آقای چمران پرسید !!

اما هدف از این دروغ بافی چیست ؟ اطلاعیه ستاد ارتش آنرا چنین توضیح میدهد : عده ای در سنندج در بالای مسجد و بروی سپاه پاسداران سنگر گرفته اند و میخواهند با این کار پاسداران به افرادی که در بالای مسجد موضع گرفته اند حمله کنند تا از آن سوء استفاده نمائند و بگویند که پاسداران به مسجد و خانه خدا حمله کردند ! جل الخالق ، واقعاً که نویسندگان این اطلاعیه از فرط عوامفریبی به هذیان گوئی افتاده اند . ممکن است این اطلاعیه در تهران و اصفهان و ... توده های نا آگاه را فریب دهد ، اما آیا مردم سنندج که چندین روز است یکپارچه با خواسته اند و از کوچک و بزرگ ، بیرو جوان و خواستار اخراج

پاسداران هستند به این بازیچه که شما اختراع می کنید نمی خندند ! مردم میگه در مقابل همین اعلامیه شما حتی حاضرند عصاب غذا کنند ، اما اینگونه مانور ها از میدان بدر نمی روند ، بلکه این شما شید که محبورید ما نندا زهای مبارزه مردم کردستان را "نوار" بدانید و مبارزه یکپارچه مردم سنندج را برای اخراج پاسداران ، توطئه برای ناگزیر ساختن پاسداران در حمله به مسجد قلمداد کنید و بدین ترتیب احساسات مذهبی توده ها را بیازی بگیرید ! و زمینه یک تهاجم ارتجاعی و نوین را بر علیه خلق کرد تدارک ببینید ، اما شما که خلق کرد و دلاوری و قهرمانی آنها را یکبار آزمونش کرده اید !

دستگیری نماینده کارگران پیکار اصفهان

اصفهان - روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۲ پاسداران سرما به به کارگران پیکار متحصن در اداره کار حمله ور شدند و پس از زاپا زدن پلاکاردها شیکه در حمایت از متحصن آنها به دیوار نصب شده بود ، یک کسی از نمایندگان کارگران را نیز با خود بردند . در رژیم کما و اکیهای جنا پیکار روماسوران سیای آمریکا در بسیاری موارد در گوشه و کنار کشورمان در پستهای خود ایفا میشوند ، در رژیم کما و اکیهای نه تنها دستگیر نمیشوند ، بلکه خود را کاندیدای رئیس جمهوری هم می کنند ! (کیهان ۲۵ دیماه) و نیز در رژیم کما هر ماه مبالغ هنگفتی بعنوان حقوق بازنشستگی به ارتشیان سرسپرده ای پرداخت میشود که بجای محاکمه ، باز نشسته شدند و اینگ در کشورهای اروپا و آمریکا به عیش و نوش مشغولند ، جزا پنهان انتظاری نیست که به کارگران حمله شود که بمنظور بدست آوردن کار برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان متحصن شده اند .

مردم مبارز کامیاران ، پاسداران را از شهر اخراج کردند

پس از این تحسن ، پاسداران حاضر به ترک حسینیه نشدند . در نتیجه مردم ۲۴ ساعت دیگر به آنها مهلت دادند . فرمائید پاسداران پس از تماس با کرمانشاه ، عمل مردم رانانی از "تحریرک" پیشمرگان دانسته و خواستار تهیه طوماری از طرف مردم میشود .

مردم با شنیدن این امر در مقابل دفتر کومه له اجتماع کرده و اعلام داشتند که حضور جمعیت در اینجا خود سمعی طوما را است . آنها از فرمائید پاسداران خواستند که در جمع آنها حاضر شود . بمحض ورود فرمائید پاسداران مردم شعار دادند :

"پاسدار ارتجاع ، سنگ به نیرنگ تو ، خون شهیدان ما میخورد ، جنگ تو" ، "پاسداران اسفلگر اخراج باید کردند" و ... بالاخره فرمائید پاسداران تسلیم نظر مردم شدند و مردم یکساعت مهلت دادند که آنها از شهر خارج شوند ، پاسداران نیز سنا حاضر را ترک نمودند .

اهالی قهرمان کامیاران در روز ۵۸/۹/۲۴ ضمن یک تظاهرات وسیع ، دولت را بیخاطری اعتنایی سه خواستهای خلق کرد شدیداً محکوم کردند . مردم معترض بودند که چرا پاسداران ، حسینیه را که با پول و زحمت آنها برای عبادت و انجام مراسم مذهبی ساخته شده است ، تصرف کرده و به انبار مهمات و مقر خود جیست سرکوب خلق کرد تبدیل کرده اند . بدنبال این تظاهرات ، طی دوروز مردم مبارز کامیاران با بستن مغازه ها و سازمان تعطیل ادارات و مدارس دست بیک اعتصاب عمومی زده و در مسجد جامع شهر متحصن شدند و خواستهای خود را در سه نامه اعلام نمودند :

- ۱- تخلیه حسینیه از پاسداران .
- ۲- نگذشت با به الحاق کامیاران از نظر تقسیمات اداری به کرمانشاه .
- ۳- محکوم کردن اعدام اسرا انقلابی ، شهید و سروز سهرورتن و تحلیل ارجاساری او .

بقیه از صفحه ۶

سنندج همچنان ...

سپس بی از پیشمرگان جسته ها (راهزنان) را یک بیک بر روی میزی نشاندند و با ذکر آنها ماتم مردم معرفی مینمود . مردم با دیدن چته باخشم آمده ، خواهان محازات شدید آنها شدند . فرمائید همین این راهزنان سعه ده بیک استوارانندارم سنام اسماعیل زاده رئیس باسگاه مرکزی بود ، اسامی بقیه چته ها عبارت بودند از احمد کرمی معروف به احمد لهرک ، اسراهیم حبیبی معروف به اسراهیم شیر ، سعید غریبی متهم به قتل سه نفر از جمله دونسی از اعضای سازمان حرکیهای فدائی خلق ، باقر عربی و ناصر ابویی .

سعدا معرفی اسن مزدوران ، ۶ نفر دیگر که از شمار معروف تشکستی دست بدزدی در سهرزده بودند به مردم معرفی شد . مردم سرحلاب دسه اول کسه خواهان اعدامشان بودند ، این ۶ نفر را سعادار هادی و ارشاد ، آزاد کردند .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

های سولیدی در کردستان حرف می زد، درست است که طعمها علاقمندی در منطقه خود میسازد. اما بورژوازی (در اینجا آقای مروهر) از آنست که دیدگاه که میتوان با اتحاد کارخانه در هر حالتی (از جمله کردستان) زحمتکش آن اس نواحی را استعمار کرد و بدین وسیله تولید سرمایه داری را گسترش داد، به مسئله صنعتی شدن مینگرد. یعنی او دلش بحال مردم نمیسوزد، بلکه متاع سرمایه داران را در نظر دارد.

فروهر در حالتی دیگر راجع به مبارزه خلق کرد میگوید:

"... متاسفانه این برادران (منظور خلق کرد است) عادت داشته اند که حواسهای خود را، با گلوله مطرح کنند که در دروس گذشته اغلب هم حواسشان را با گلوله و سنگ می سسند و با کت ..."

برای لیبرالها هیچگاه مسئله نگار بردن گلوله و تفنگ بر علیه شاه خائن مطرح نبوده و نمیتوانست باشد. چرا که آنها ن با "علیحضرت هما یونی" نصیحت میکردند که قدری آنطرفتر بنشینند تا جایی نیز برای آنها باشد. آنها از شاه می خواستند سلطنت کنند نه حکومت. بنا بر این نمیتوانند معنای قهر انقلابی را که تنها راه بدست آوردن قدرت از جانب توده ها است درک کنند و بدتر از این، این لیبرال خائن میگوید چون رژیم شاه به شما ستم میکرد شما مجبور شدید اسلحه بدست بگیرید، بلکه می گوید چون شما (خلق کرد) حرفتان را با گلوله و تفنگ می زدید سر رژیم شاه نیز مجبور بود جوابتان را با گلوله و تفنگ بدهد!!! این استدلال فقط یک کلمه کم دارد تا استدلال شاه شود یعنی "حققتان بود که رژیم این چنین به شما پاسخ دهد!!" و این آقای لیبرال مرتجع شده اگر رویش نمشود در پیش روی توده ها این حرفها بزند حتما در ته دل خود همین را میگوید. آری، اوسه قهر انقلابی معتقد نیست، اما به قهر صدام انقلابی معتقد است و خود و همراها نش جرو کسائی هستند که در یک دوره خلق کرد را به خاک و خون کشیدند و هنوز هم سرکوب خلق کرد و بيقول خودشان "راه حل نظامی مسئله کردستان" را در حینه دارند.

این بود نظر تفکر یکی از مپره های هفت حاکمه در مورد مسئله کردستان، دیگر لزومی ندارد ارجحان این حلال خلق کرد در حرف بر نیم، ا و رسوا بر از آن حرفهاست. دیگر لزومی نیست آقای سازگان که حقیقتاً هم پاکتر از صافان و این نظام موری سراج ندارد در حرف بر نیم و نشانیها شاره می کنیم که آنت الله خمینی بر بدلیل دبنا ل روی ارجحانهای مزدورو لیبرالهای خائن در خدمت برنا مهوسیا ستهای سورژواژی و ارتجاعی قرار نمیگیرد همچنان که سنا بحال سر قرار گرفته است.

حال که دیدیم دستگاه آفاناسی که میخواهند سیاست ارجحان هیئت حاکمه اصطلاح مسائل کردستان را از طریق مسالمت آمیز حل کنند چگونه است نظری سربه طرح کدائی آن می اندازیم. فصل ارجحان در این مورد لازم است به یک نکته اشاره کنیم. هفت و سره دولت در کردستان در صحنه های خود انطوری و اسودمی گد که حوی در لفظ خود محاری استنطاق با درسی می سوه! سمراس سحای خود محتاری بکنیم "خودگردانی" مای کوشم سسار حوب اگر دعوا بر سرتن سار مظلومان است که حسی

پیگار

تدرت بحسب کسری و اجرائی مستقلی را ندارند. در هر مقطع و سراطی هم که تدرت خاکمه حسی کند که مراحم اس با تک بلکریه کسری براسی حوا هدمود.

رمانی هم که "حس" هفت و سره دولت را در حد کل می کند سوزای ناحیه خودگردان احساره سده که سوانند:

" برای اداره امور محلی نارعات سسی و آداب و رسوم و مذهب محل ارجله در مسائل مربوط به تعلیمات دینی و احوال شخصه (اردواج، طلاق، ارب و وصیت) سوانیس در چهار حوت فاسی اساسی جمهوری اسلامی ایران بدوس و مسویب و سمومع احرا نگدارسد" (ماده ۵۵ طرح "خودگردانی")

هیئت "حس نیت" و طراحان این طرح حتی این مقدارنا چیزوبی اهمیت اختیارات "شورا های ناحیه" رانمی توانند تحمل کنند، در همین محدوده قوانین در مورد تعلیمات دینی و احوال شخصیه که "شورا" میتوانند تصویب نمایند، آوردن تبصره مبنی بر این که با دیده "تصویب نهائی شوری نگهبان برسد". گسل. حس نیت بکساره بر بر می شود!

نیروی مسلح خلق و نقش آن در طرح

نیروهای مسلح خلق (بیشتر که ها) تنها مرجع مهم و تعیین کننده ای است که ارگانهای توده ای و انقلابی و حاکمیت خود مختار را به تکا و سشتوانه آن میتوانند سحیات و رشد خود ادا مدهند. و در ضمن امنیت داخلی و انتظامات نیز با بدیر عهده آنها باشد. در جنگ های تحمیلی اخیر کردستان، خلق کرد تنها با اتکا به جنبش توده ای و مقامت و مبارزه قهرمانانه نیروهای مسلح پیشمرکه توانست در مقابل یورش و توطئه ها و دسیسه های ارتجاع ایستادگی نموده و شکست فاحشی را سرا و وارد آورد. بی جهت نیست که ارتجاع در هر قدم و طرح و برنا مه ای که را کشه سده تکتبه زیادی بر خلق نمودن و یا حداقل سلسی به تاسع و فرما نبردا ر نمودن نیروهای مسلح خلقی می گذارد. نیروهای سیاسی و مبارز خلق کرد آگاهند که اگر به این خواست ارتجاع کردن نهند و سه خلق سلاح نیروهای پیشمرکه و یا به تبعیت ارگانها مرکزی در آورده شود، آن زمان با پیدا انتظا رشکست و از دست دادن تمام دستا وردهای جنبش را دست سه با شیم.

در ماده ۴ طرح هیئت "حس نیت" از یکطرف آمده است که "انتظامات ناحیه بر عهده کار بدستان ناحیه خودگردان است" و ساتوجه به ماده ۲ که مطرح می نماید که اس "کار بدستان" در مقابل دولت مسئول هستند و از طرف دیگر در همان ماده ۴ گفته مسود:

" سروهای اسطامی (پلس سهری و روسانی) بر سرتن ساسی حوا هدمود که به سسهاد و رار ب کسور (سهراسی و راندار مری) و ساشد ناحیه خودگردان سکار کما رده مسود" که سکنده در کسری بر این سکه رنسان سسنا دی و رار ب کسور (سهراسی و راندار مری) در مقابل اس و رار سده سسول و حوا سکو حوا هدمود. ا ر مجموعه اس سوار در روس و اسکار می کرد که دولت مرکزی می حوا هدمو سروهای اسطامی و امنی سارابع خود ساندواس موموم راکه سروهای مسلح اسطامی و خلقی کما ملا سانداسع حاکمیت سرمس خود محسار ساسد، سطور صرح بقی کرده است. ا دانه دارد.

سس! اما مسئله بر سر محواس و سرسی طرح خودگردانی بحوسی اس راسان مدهد. سانس سوصح سدرسی طرح خودگردانی می سدر ازم:

در اولین گام رسوایی طراحان مشهود می گردد

طراحان "حس نیت" روس نگرده اند که آنها ناحیه های "خودگردان" بر حسب سرمس نار سحی طب سفیم میگردد، سابعمان سکل تفسمات گذسسه و رژیم شاه می ساسد. رژیم شاه خلق کرد را در بیس ۴ استان آذربایجان غزی، کردستان، ایلام، کرمان شاه تقسیم نمود که به اصطلاح بنوا نند سسین وسیله جنبش ملی خلق کرد را سرکوب سنا بد. سابعمان این طرح با عدم سر خورد به این مسئله کما کان سسه ساشده مان سساست رژیم گذشته پیدا خنه و در جای پای او قدم بر می دارند، که در اولین گامها ایشان خود را خوب نشان دادند.

نفی حاکمیت سیاسی ملل بر سر نوشت سیاسی خودشان

آنچه در سر لوجه و اس خواننها و اهداف خلقها فرار دارند، امر حاکمیت سیاسی بر سر نوشت و مقدرات سیاسی خودشان میباشد. خلقها میخواهند در سزمس تاریخی خودشان دارای ارگانهای قانونگذاری، قضائی و اجرائی مستقل خودشان باشند. این مستلزم آن خواهد بود که سالاترس ارگان حاکمیت (مجلس ملی و یا شوری عالی خلق و ...) نه سنعنوان زاشده و مجریان بلا راده و دنیا لجه و آلت اجرائی بی جون و چرای حکومت مرکزی باشند، بلکه از نتجان قدرت مستقلی برخوردار باشند که در جهار حوب منطقه خود مختار بنوا نند با توجه س مجموع سراط سابعی ساجتماعی سرمسین خودشان در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، انتظامات و ... قوانین را تصویب نموده و با اتکا به ارگانهای قضائی، اجرائی و سیروهای مسلح خود آنها را پیاده سنا بند. این امر مهم و کلیدی در طرح هفت "حس نیت" بطور آشکاری نفی گردیده است.

در ماده ۵ و ۲ طرح اسورای ناحیه ای محبت گردیده، بدون آنکه سطور صریح و روشنی وظایف و عش آنرا سنان سنا بد. ولی ساحتیار اب و قسدرت سنا محدودی که برای آن فائل سده است و با سوجه سده اسحه که در مورد توراها در فاسون اساسی ذکر گردیده اسن سوراها چیری سس سسند مگر همان انحصاری شهر و روستا، ساداشن بکسری اختیار اب محدود اداری، سورای ناحیه نه سنعنوان ارگانهای حاکمیت سوده ای، بلکه سنعنوان رانده و محری سلا راده ارگانهای حکومت مرکزی میباشد. وظایف آنها در محدوده سسنا ددان و ساطر سحکوی سساده سدن سراسه ها و طرحهای دولت سسرسیس، سحکوی س



گرامی باد خاطره رفیق شهید رضا تفکری (بهرور)



رفیق رضا تفکری در سال ۱۳۳۳ در سپهرسان سربازان ارشد ارتش ایران در خا باده ای کم در آسودگی متولد شد. رفیق تحصیلات دبیرستان را در همدان با بیان ریاضیات و علوم و ادبیات و در سال ۵۳ وارد دانشگاه سربازان سرتی در سربازان و در دوران تحصیل دبیرستان و طی مطالعاتی که در آنجا شد، نتیجه برخورد عینی با مسائل دردها و محرومیت حتمی که در آن درجا معطوفاتی ما، مارکسیسم-لنینیسم را بعنوان تنها راه راهی طبقه کارگر پذیرفته بود. رفیق از همان اوان ورود به دانشگاه، بطور فعال در فعالیت های صنفی - سیاسی دانشگاه شرکت جست و نقش ارزنده ای در سازماندهی و پیشبرد این امور عهده گرفت. منجمه در زمینه های فعالیت های فرهنگی، در پیسردا مورثا بخانه دانشجویی نقش موثری داشت و در تبدیل این مرکز، به کانونی برای جذب عناصر مارکسیست فعال و مبارز و تصفیه عناصر سازشکار، فرصت طلب و غیرمبارز که عمدتاً به حزب توده گرایش داشتند، فعالانه شرکت می جست. او همواره با این افراد سازشکار و فرصت طلب مبارزه میکرد و چهره آنها را به دانشجویان تازه کار و تازه واردی که جذب این مرکز می شدند می شناساند و قاطعانه در برابر فرصت طلبان می ایستاد.

در سازمان دادن فعالیت های کوهنوردی دانشگاه، از طریق اتاق کوهنوردی نیز بطور فعال شرکت می کرد و می کوشید این مرکز را نیز از هیئت یک سازمان صنفی دانشجویی بیک مرکز فعالیت سیاسی و پرورش افراد مبارز و سیاسی، تبدیل نماید. اما عرصه اصلی فعالیت او و تعاضبات سیاسی دانشجویی بود که بطور فعال در آنها شرکت می جست و همواره دیگر مبارزان را در آنها میکوشید تا این اعتضبات را از چارحوب تنگ صنفی - اقتصادی و محدود به دانشگاه فراتر برد و محتوای سیاسی آنها غنی نماید. او بر این اعتقاد بود که اعتضبات با بسط از میله های دانشگاهی فراتر نرود، به کوجه و خیابان به میان نرود، فعالیت های زحمتکش برده شود، تا بتواند در پیوند با این نوده ها و مبارزان آنها، مضمون و محتوای واقعی خود را پیدا نماید. خود او نیز در برنا مریزی و سازمان دادن اعتضبات دانشجویی خارج از دانشگاه و در مناطقی فقیرترین شهر، مشارکت فعال داشت و همواره در پی کشف تاکتیک های جدیدی برای تاثیر بیشتر این اعتضبات از یکسویا شیب آمدن میزان خطرات امنیتی آن از طرف دیگر بود.

رفیق رضا در این زمان از هواداران مشی چریکی و سازمانهای چریکی و نوده های آنان را در فعالیت های مبارزاتی، در عرصه دانشگاه، تبلیغ و ترویج می نمود. تکثیرا علامه ها و انبساط نیرو - های چریکی از جمله فعالیت های سیاسی او بود که بطور مخفانه و با همکاری رفقای مبارز در انجام می داد.

در همین دوره بود که او فعالیت در سطح سازمانها و سازمانی که امکان آموزش و تدارکات آنها در سوره های سیاسی می رفت، فعالیت شرکت می جست، آنها را به مکانهای امنی که خود سردر بسته آنها شرکت حسود، در رسیدن مدرسین اقدامات امنی با او همکاری می کرد.

مدتی اراسی دوره را رتبه، سازمانی بصمم سازمان، نگارگری سردا حب و در یک کارخانه اسخدا مد، رتبه معتمد بود که در همین مدت کوهسار کار، در سپه ای ریادی آمود و سوا سده است داد عینی - بری نسبت به طبعه کارگر سدا نماید.

پس اراسان دوره، رفیق در یک جمع جدید، در ساخه کسری و عضو گیری سازمانی تدوین فعالیت در آن برداخت و چیزی از این دوره کار جدیدش نگذشته بود که سبب درخشان او با اوک بیتا دت رسید.

رفیق در روروعا شورای سال ۵۵ (احتمالاً ۱۱ دی ماه) برای اجرای یک قرار را خانه تسمی اش خارج شد. پس از اجرای قرار در حالیکه مسلح به اسلحه کمری و نارنجک و سوا رتور سیریکلت بوده در جرایب راه سرچشمه مورد سوءظن گشتی های جناح با اوک قرار گرفته و در نتیجه آنها جم مسلحانه آنها گویا در نتیجه ما با اولین گلوله ها به مغزش، همانجا شهید می شود. رفیق شهروز نیز به کاروان شهیدان راه آزادی و استقلال راه را شئی زحمتکشان پیوست. ما با خون او - همچون دیگر شهیدان - پیمان می بندیم که در امد انقلاب دموکراتیک - فدا میریای لیستی میهن، تا برپائی جمهوری دموکراتیک خلق و سرانجام تانبل سجا مع سوسیالیستی لحظه ای از پای نشینیم.

نفرته افکشی ما ان دو گروهی آمدند، اما می نبود. سپس جهت هم بود که ان رتبه سسها در میان دانشجویان کموسست بلکه در میان دانشجویان مبارز مدھی سیرا ز محبویب و احترام برخوردار بود.

در سال ۵۴، ان رفیق فعالیت های سیاسی محفی خود را در قالب یک همدکوکج سیاسی، سدت بستری بخش و سیرترین وقت خود را صرف امور می کرد. وظایف این هسته عمدتاً تکنیر و یخوش اعلامیه های سیروهای انقلابی چریکی و یخوش آن در محله های جنوب شهر بود.

رفیق رضا تفکری همواره در صدمت با یکسای از سازمانهای انقلابی کموسست بود تا پیوسته محدود فعالیت های دانشگاهی و هسنه ای خود را بشکند و به آنها پیبوستد. در اردیبهشت ۵۵ این امکان حاصل شد و او "سخن منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران" تماس گرفت و از همان ابتدای تماس بدلائل امنیتی، زندگی مخفی اختار کرد.

در سازمان، ان رفیق تمام شورا و اشتقاق مبارزاتی خویش را به کار گرفت و در پیشبرد وظایف سازمانی اش از هیج کوسی فروگذار نمی کرد و در اجرای این وظایف همواره از خود شاستگی نشان می داد.

ویژگی او در عرصه فعالیت های سازمانی ان، صداقت، پرکاری و روحیه پر شور و سرتز ای بود. همواره می خواست که حجم بیشتری از وظایف سازمانی را علیه رمدشورای و سنگینی آنها، انجام دهد. او دارای روحیه انتقاد از خود شایسته ای بود و همواره اشنباهات و ضعفهای خود را مورد انتقاد قرار می داد و با انتقادات وارد شده سازمان را می پذیرفت و در صدمت آنها برمی آمد.

او علاقه شگفتی به سازمان خود داشت و هر اشتباهی را از طرف هر رفیقی که امکان ایجاد خطری برای سازمان را فراتر هم میکرد، سیرحمانه مورد انتقاد قرار میداد. در سد و ورود این رفیق بسا زمان در یک جمع آموزشی سازمان داده شد تا آموزشهای سیاسی و تشکلاتی را در آنجا سسیند. با بیان دوره آموزشی آنها مقارن بود با صربا سال ۵۵ که از طرف رژیم به سازمانهای مبارز (سخن منشعب سازمان چریکهای فدائی خلق) وارد می آمد. سحران حاصله را این ضربات در سازمان ما، صورت تدا سیر تشکلاتی معنی را ابحاب میگردد که در طی آن سه رشته های ان سحران سرخوردد. در اس دوره که کار درها و اعما موفف بودند عمده فعالیت خود را مصروف حل این مسئله کنند، رفیق رضا تفکری (بهرور) مسئولانه میکوسید سحل اس مسائل و مغلط کمر هم سسدد. اس بحرانها هسکا در وجه او را در هم سسب سسب و او با روحه معا و مویسور می کوسد با اس سگلط و معا ثب را سکناری رده و در جهت حفظ امنیت و حجاب سازمان سلا سنا سدد.

بقیه از صفحه ۱۷

گرامی باد ...

برمی آید، رئیس شورای جنگ انقلابی میزاکوچک خان و فرمانده کل قوا احسان الله خان بوده است.

تحلیل جنبش جنگل احتیاج به مقاله ای جداگانه و بررسی عمیق و همه جا شیده دارد. بخصوص اینکه در این مورد نقاط ایهام فراوانی وجود دارد و از سوی تنگ نظران مذهبی اشباهات بیشتر شده و ناروای فراوانی به سوسپال - دموکراتهای صدیقی که با تمام نیرو در آن شرکت داشته و جانبازی کردند وارد می شود. صداقت و ایمان انقلابی سوسپال - دموکرات های ایران در جنبش جنگل و دفاع از حقا نیت تاریخی و روشن ساختن حقایق تاریخی موجود است که می کند که مقاله ای مفصل در این باره نوشته شود و همین امر احتیاج به بررسی عمیق و همه جا سسه ای دارد که در این مقاله جای آن نیست و در فرصت های بعدی این کار لازم می بایستی انجام گیرد.

حسدرخان عموا و غلی این انقلابی پر شور سراجا م در سپهریور ۱۳۵۵ هجری در جلسه کمیته انقلابی جمهوری سوری گیلان با تدارک قبلی کوچ خان به گلوله سسنده و سه سیدت می رسد. با شهادت حسدرخان حلقه های ایران رهبری توانا و مبارز پر شور را از سب می دهد. کوچ خان با ابتکار علاوه بر اینکه صرینتی سحر بر سیرا انقلاب و جمهوری ضعیف شوراها وارد می کند، بلکه خود را نیز از متحدی وفادار و سرومند محروم می سازد. جریان بعدی زندگی صحت اس سخن و استنا و محرز کوچ خان را با سبات سنا سید.



گرامی باد دومین سالگرد قیام ۱۹ دیماه قم!

۱۹ دیماه یکی از روزهای درخشان در مسیر انقلاب خلقهای ماست. در چنین روزی زحمتکشان و قشرهای متوسط شهری قم بخاطر اعتراض به رژیم شاه خائن و بخاطر آزادی و استقلال بیخاستند و در مقابل، نیروهای مسلح رژیم دستورسا سر سر مردم گلوله باریدند و در این جریان بسیاری از توده‌ها بخاک و خون در غلطیدند. بدین ترتیب دشمن که پس از سرکوب زحمتکشان خارج محدود و درناستان ۵۶ و پس از تغییر کربا بینه و روی با آمدن آموزگار با سلاح عوامفریبانه "قزاقی" ساسی و "حقوق بشر" سه میدان آمده بود، در حلقی خود را آشکارا نشان داد. معنای این عمل صابنکارانه رژیم این بود که جنبش توده‌ها اوج گرفته و دیگرگرا و سائل فریبکارانه باشد. قابل کنترل نیست. دشمن حسین می بیند اشت که قادر است با یورش وحشیانه به جنبش خلق آثار از برکت با زدارد، اما تنها ۴۰ روز بعد از قیام قسم، قیام شیریز، لوزه برپیکروی انداخت. حرکتهای دیگر، یکی سر از دیگری اوج و باز هم اوج گرفت و سرانجام در قیام مسلحانه و سرتاسری بهمن ماه ۵۷ ساط ننگین سلطنت درهم پیچیده شد و بر سلطه امپریالیستیهای غارتگر و مصادرات جدی وارد آمد. اما با وجود تمامی جانفشانی‌های خلق، که بسیاری از توطئه‌های لیبرالهای سلطنت طلب، مثال سازرگان، سرپرستمداری و سنجایی و فرورسز تلاش ارتجاع برای جلوگیری از پاشیده شدن نظام و بسته‌ها امپریالیسم را نقش را بر آب کرد. اما دلیل اینکه طبقه کارگر رهبری انقلاب را در دست داشت. سرانجام امپریالیستها با به زش کشاندن «برده بورژوازی مرفه‌ستنی و رهبران آن انقلاب را در نیمه راه متوقف ساختند و از نابودی نظام سرمایه داری و وابسته جلوگیری کردند. اما همانطور که تجربه ماههای بعد از سقوط شاه نشان داده است، موج جنبش توده‌ای نیرومندتر از توطئه‌ها به پیش می‌رود.

مانورهای شیدانه و رسوای ستاد ارتش!

روز جمعه گذشته صدای جمهوری اسلامی ایران اطلاعیه‌ای ارستاد ارتش جمهوری اسلامی خواند که با استی هرسنوده آگاه در ایجاد اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های فرمانداران نظامی رژیم‌ها و از ازاری حلالد می‌ساخت. اطلاعیه ارتش نخست از توطئه‌های امپریالیسم و صیونسم حرف می‌زند. اما از کدام توطئه‌ها؟! از توطئه‌هایی که در رژیم‌ها به کمک حاکمان مستقیم و غیر مستقیم خود سعی امیران نظام و جمران ویردی و بازرگان و... بر علیه خلقماندارک دیده است؟! و با حداقل از توطئه مسدود کردن سرتده‌های ساسکی ایران در غرب و یا تحریم اقتصادی آمریکا؟ به هیچکدام! از نظر آقای حمران که در سفته در صفحه ۲۰

این آقایان ساواکی در شهر شیریز فرمان میرا شدند!

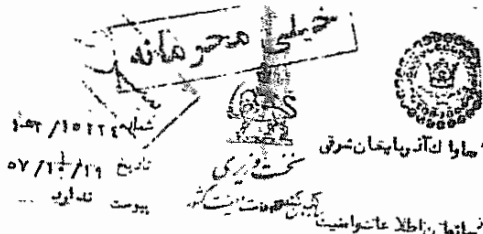
اطلاعیه ۳ روحانی تبریز

تبریز - دیش، از سوی حضرات آیات عبدالحمید شریانی - سید حسن انگلی و سید یوسف هاشمی حکم آهدهی اطلاعیه‌ای در تبریز منتشر شد. در این اطلاعیه آمده که بنظر دفع مکتوبات و نثار سپید در تبریز ویزرگداشت روز ۱۹ دیماه سالگرد شهادت شهیدای شریقی که سرآغاز انقلاب بزرگ اسلامی بوده است، لازمست احوالی شدن و نیور شهر تبریز از ساعت ۹ صبح امروز، در میدان نماز این شهر برای استماع مطالب علمی حضور یابند. در این اطلاعیه خطرزدن شده است که اجتماع کنندگان از آوردن هرگونه پلاکارد خودداری نمایند.

اطلاعات - سه شنبه ۵۸/۱۰/۱۸

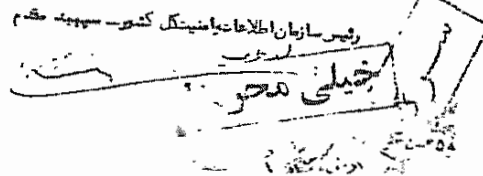
سندی را که ملاحظه میکنید نشان میدهد که در تاریخ ۵۷/۱۰/۱۹ یعنی حدود یکماه قبل از قیام بهمن ماه هشتاد و نه از روحانیون تبریز به نامهای میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی، میرزا مجید واعظی و میرزا حمید شریانی که از باران نزدیک آیت الله سرپرستمداری هستند از ساواک مبلغ یک میلیون تومان سمول گرفته‌اند. ساواک برای جده آنها پول میداد؟ برای فرس زدن به انقلاب خلق، که در آن زمان برهبری آیت الله خمینی جریان داشت. هم اکنون این سه روحانی مرتجع همانند بسیاری از روحانیون ساواکی در شهرهای مختلف به فعالیت مشغولند. اما چرا رژیم کمزافقشای نامساواکیها و عناصر وابسته به رژیم گذشته خودداری می‌کنند؟ چرا سکه خود نیز بزرگ در کسب دارند؟! جز اینکه در این صورت با ستمهای آقای بیخشی و بازرگان را نیز با هویزر آمریکایی و بیخشی رجان اشاکند! جز اینکه ناگزیر است سگوبد آقای معین فر وزیر نفت و عضو شورای انقلاب در آبان سال ۵۱ بخاطر خدمات صادقانه‌اش! در موسسه استاندرد صنعتی از آنها هفتاد و نهم را سنان تاج دریا فب کرده است! چرا سکه ...

یاران ساواکی آیت الله شریعتمداری (* و خودداری رژیم از افشای نام ساواکی‌ها و سرپرندگان رژیم شاه



در باره کمک مالی به روحانیون مخالف خمینی در تبریز

نظر بر اینکه آقایان میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا مجید واعظی و میرزا حمید شریانی سر دسته مخالفان خمینی وقاضی هستند دستور رسیدگی بوجه بدهی به دیه میلیون ریالی روحانیون ساواک تبریز در اختیار نامبردگان فوق قرار داده شود و به آنها تاکید گردد که بوجه مزبور باید بر علیه خمینی و سر دسته طرفداران خمینی در تبریز یعنی قاضی خرم و تبلیغ کرد مراتب جهت اقدام صحیح اعلام می‌شود.



* البته حضرات انگلی و شریانی "طرفدار" آیت الله خمینی شده‌اند!

زاهدان کین جلوه بر محراب و منبر میکنند...

شماره ۲۷۲۳۲
آگهی تصیمات مجمع عمومی عادی سالانه شرکت
بازرگانی و ساختمانی اهدال سولهاس خاص
تبت شده بشماره ۱۸۷۹۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۵۸/۲/۲۵ شرکت مزبور ۱ - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۵۷ تصویب رسید ۲ - آقای نجفی بستت بازرسی اصلی و آقای علابیر محمد سادقی بستت بازرسی علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند ۳ - روزنامه "کثیرالانتشار جمهوری اسلامی جهت درج آگهی‌ها و اطلاعیه‌های شرکت تعیین گردید ۴ - آقایان محمد جواد باهنر و محمد رحمانی و حبیب‌الله شلیق بستت اعضاء اصلی و آقایان ابوالفضل توکلی و سید محمد حسینی بیخشی بستت اعضاء علی‌البدل هیئت‌مدیره انتخاب شدند که برابر تصمیم هیئت‌مدیره آقای محمد رحمانی بستت رئیس هیئت‌مدیره و آقای دکتر باهنر بستت نایب رئیس هیئت‌مدیره و آقای شلیق مدیرعامل شرکت برای مدت دو سال تعیین شدند و حق اشغاف کلیه اسناد مالی شرکت از قبیل چک و سفته و بروات و همچنین کلیه اوراق مالی تمهیدآور با دو اشغاف اصلی هیئت‌مدیره مستقلاً با بهر شرکت معتبر خواهد بود کلیه قراردادهای و نیز نامه‌ها و احکام و اوراق اداری و محاسباتی را مدیرعامل شخصاً و به‌تلهای اشغاف خواهند کرد.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی

۵۴۱۵-۴
۱۳۹۲۱۷-۴
(سفل ارور نامه جمهوری اسلامی اوایل مرداد ماه)

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست